

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۲۲

هزار و سیصد و نود و یک - نیمسال دوم

- مفهوم شناسی «مبانی» در پژوهش‌های حقوقی
عباس منصورآبادی - جواد ریاحی
- استرداد مجرمان در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد
سعید باقری
- الکترونیک شدن دستگاه قضایی در پرتو مؤلفه‌های حکمرانی خوب
سمانه رحمتی‌فر
- نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حمایت از حقوق بشر در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر
ارمغان عبیری
- کنکاشی در رأی شماره ۲۶۱ مورخ ۱۳۹۱/۵/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
مجید بنایی اسکویی - وحید آگاه
- ارزیابی نظام حقوقی حاکم بر تخلفات ساختمانی
زینب تقی‌دوست
- حمایت‌های پیرا حقوقی دیوان بین‌المللی کیفری از بزه‌دیدگان
مرضیه دیرباز
- مقابله با بحران سربازگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه: نخستین رأی دیوان کیفری بین‌المللی در ترازوی حقوق بین‌الملل
زکویه تقی‌زاده - فاطمه هداوندی





حمایت‌های پیراحقوقی دیوان بین‌المللی کیفری از بزه‌دیدگان

مرضیه دیرباز*

چکیده: جنایت‌های مشمول صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری - نسل‌زدایی، جنایت‌های علیه بشریت، جنایت‌های جنگی و تجاوز - شمار بسیار زیادی بزه‌دیده به همراه دارند. بزه‌دیدگان، حمایت‌های گسترده و متنوع دیوان را به منظور کاهش آسیب‌های برخاسته از جرم، مطالبه می‌نمایند. حمایت‌های پیراحقوقی، به گونه‌های متفاوت حمایت از بزه‌دیدگان، خارج از قلمرو حمایت‌های حقوقی و سازوکارهای پیش‌بینی شده در آیین دادرسی کیفری اشاره دارند. این حمایت‌ها، در پرتو مقررات دیوان بین‌المللی کیفری و در دو بخش حمایت‌های عاطفی و حمایت‌های اجتماعی تبیین می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، دیوان بین‌المللی کیفری، حمایت‌های پیراحقوقی، حمایت عاطفی، حمایت اجتماعی

درآمد

دیوان بین‌المللی کیفری، با بهره‌گیری از رهیافت‌های عدالت ترمیمی^۱ در مسیر حمایت از بزه‌دیدگان گام بر می‌دارد. عدالت ترمیمی، عدالتی است برای بزه‌دیدگان و با مشارکت فعال آن‌ها؛ عدالتی که خواسته‌های آنان را محترم می‌شمارد و نیازها و انتظاراتشان را برآورده می‌سازد.^۲ طیف وسیع و متنوع آسیب‌های برخاسته از جرم، قربانیان نسل‌زدایی، جنایت‌های

* کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، marziyedirbaz@gmail.com

1. restorative justice

۲. عزت فتاح، «همپوشانی اعمال عدالت با تشفی خاطر بزه‌دیده، تقابل دو فلسفه عدالت: مجازات و جبران خسارت»، زیر نظر هنریک کاپتین و مارک مالچ نیکل، جرم بزه‌دیدگان و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه)،

علیه بشریت و جنایت‌های جنگی را نیازمند گستره وسیعی از حمایت‌ها، در گونه‌های متفاوت و متنوع می‌سازد. شناسایی این نیازهای متفاوت، در درجه نخست اهمیت قرار دارد. با شناسایی نیازها، بهره‌گیری از ترتیبات و تدابیر حمایتی‌ای که متناسب با این نیازها باشند امکان‌پذیر خواهد شد.

دیوان که نقطه اوج شکوفایی تلاش‌های بین‌المللی در دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌آید، ضرورت توجه به نیازهای بزه‌دیدگان را مد نظر قرار داده است. مطالعه مقررات پیش‌بینی شده از سوی دیوان بین‌المللی کیفری، گویای به رسمیت شناختن گونه‌های متفاوت آسیب‌های برآمده از جرم، و کوشش در مسیر ترمیم این آسیب‌ها به شیوه‌های مناسب است. شناسایی حقوق انسان‌ها - که پایه عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد^۳ - برای بزه‌دیدگانی که شدیدترین و عمیق‌ترین آسیب‌ها را از رهگذر تجربه جنایت‌های بین‌المللی چشیده‌اند، اهمیت ویژه‌ای دارد.

بیشتر مردم بر این باورند که پی‌آمدهای مالی جرایم خشونت‌بار بر افراد و دولت‌ها، نسبت به تأثیرات عاطفی وارد بر بزه‌دیدگان و خانواده‌های آنان، بسیار کم اهمیت هستند.^۴ درد و رنج ناشی از بزه‌دیدگی در جرایم خشونت‌بار، بزه‌دیدگان را نیازمند برنامه‌های درمانی و اصلاحی می‌نماید.^۵ سقوط قانون و نظم - که در خلال درگیری‌های نظامی اتفاق می‌افتد - منجر به افزایش تمامی شکل‌های خشونت می‌گردد. در این میان، آسیب‌پذیری گونه‌های خاصی از بزه‌دیدگان - مانند کودکان، سالمندان، معلولان و قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی - آنان را شایسته حمایت‌های ویژه‌ای می‌سازد. این حمایت‌ها با توجه به آسیب‌های معنوی^۶ برخاسته از جنایت‌های بین‌المللی، بیشتر در پرتو کمک‌های عاطفی نمود می‌یابند. به علاوه، حمایت‌های پیرا حقوقی گاه از رهگذر حمایت‌های اجتماعی جامه عمل بر خود می‌پوشد. خدمات رسانی اجتماعی به بزه‌دیدگان جنایت‌های جنگی، نقض‌های شدید حقوق بشر و به ویژه قربانیان خشونت‌های جنسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در بهبود شرایط آنان نقشی اساسی ایفا می‌کند.

تأسیس دیوان، گستره وسیعی از ادبیات علوم جنایی ایران را به خود اختصاص داده است، اما بزه‌دیده - همچون سایر عصرها و عرصه‌ها - همچنان، جایگاه شایسته خویش را باز نیافته است. نوشتگان پارسی علوم جنایی در زمینه مباحثی که از دریچه بزه‌دیده‌شناختی به دیوان

ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران، خلیلیان، ۱۳۸۳، ص ۳۸.

3. The Universal Declaration of Human Rights, Preamble.

4. Stephen Jones, *Understanding Violent Crime*, Buckingham, Open University Press, 2000, p. 126.

۵. علی حسین نجفی ابرندآبادی، *تقریرات درس جرم‌شناسی (عدالت ترمیمی)*، تدوین: رضا فانی، دوره کارشناسی

ارشد دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق، نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲، ص ۱۵۱۳.

6. moral damage

بنگرد، از کاستی در خورِ توجهی رنج می‌برد. پژوهش حاضر در پی مطالعهٔ مقررات دیوان بین‌المللی کیفری از دریچهٔ بزهدیده‌شناسی حمایتی است. رویکرد حمایتی دیوان نسبت به بزهدیدگان را می‌توان در دو سطح کلی حمایت‌های عاطفی و حمایت‌های اجتماعی جای داد. بدین ترتیب، مباحث پیش رو در محورهای «بزهدیده‌شناسی حمایتی»، «دیوان بین‌المللی کیفری»، «حمایت عاطفی» و «حمایت اجتماعی» تبیین می‌شوند.

۱- بزهدیده‌شناسی حمایتی^۷

بزهدیده‌شناسی به مطالعهٔ فرد بزهدیده، چگونگی رویداد بزهدیدگی، میزان آسیب‌های متحمل‌ه، نقش بزهدیده در تکوین پدیدهٔ مجرمانه، جایگاه قربانیان در سیستم عدالت کیفری و حقوق آنان در فرآیند دادرسی کیفری می‌پردازد.^۸ ریشه‌های این علم را می‌توان در دههٔ ۱۹۴۰ جست‌وجو نمود، زمانی که نخستین برخورد سیستماتیک با قربانیان بزه، روی داد. هانس فون هنتیگ^۹ - جرم‌شناس آلمانی تبار امریکایی - به سال ۱۹۴۸ در کتابی با عنوان «بزهکار و قربانی او»^{۱۰} - ضمن انتقاد از مطالعهٔ ایستا و تک‌بعدی بزهکار در جرم‌شناسی، جایگزینی نظریه‌ای پویا و دو بُعدی را که نسبت به بزهکار و بزهدیده نگرش برابری داشته باشد، پیشنهاد نمود.^{۱۱}

بدین ترتیب، بزهدیده در کنار دیگر علل بزهکاری مورد مطالعه قرار گرفت. با پیگیری مطالعات مربوط به بزهدیده از سوی هنری الین برژه^{۱۲} - روان‌شناس کانادایی - در سال ۱۹۵۴، و بنیامین مندلسون^{۱۳} - وکیل رومانی تبار امریکایی - در سال ۱۹۵۶، پایه‌های رشته‌ای نواز جرم‌شناسی به نام «بزهدیده‌شناسی» بنا نهاده شد.^{۱۴} همان‌گونه که در نخستین سمپوزیوم بین‌المللی بزهدیده‌شناسی - ۱۹۷۳، بیت المقدس - از بزهدیده‌شناسی به عنوان «مطالعهٔ علمی قربانیان جرایم» یاد شده است،^{۱۵} جرم‌شناسان در جست‌وجوی نیل به درک بهتری از خاستگاه جرم، و تعیین نقش و سهم بزهدیده در تکوین رویداد جنایی، به بررسی روابط میان بزهکار و بزهدیده پرداختند.

7. protective victimology

8. Mark M. Lanier & Stuart Henry, *Essential Criminology*, United States of America, Westview, 2004, p. 15.

9. Hans Von Hentig

10. *The Criminal And His Victim*

11. Ezzat A. Fattah, *Criminology: Past Present and future: A Critical Overview*, United States, ST. Martin's Press, 1997, p. 181.

12. Henri Ellenberger

13. Benjamin Mendelson

۱۴. فردریک وردهایم، روان‌شناس امریکایی، نخستین فردی است که واژهٔ «بزهدیده‌شناسی» را به کار برده است.

نک: علی حسین نجفی ابرندآبادی، *تقریرات درس جرم‌شناسی (بزهدیده‌شناسی)*، تهیه و تنظیم: فاطمه فتاد، دورهٔ کارشناسی دانشکدهٔ حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم ۷۴-۱۳۷۳، ص ۲۳۶.

۱۵. عبدالعلی توجهی و علی حسین نجفی ابرندآبادی، «بزهدیده‌شناسی و مشکل بزهدیدگی‌های گزارش نشده»،

مدرّس علوم انسانی، زمستان ۱۳۷۸، ش ۱۳، ص ۷۳.

در سال ۱۹۷۵، تغییراتی در مفهوم بزه‌دیده‌شناسی به وجود آمد. این تغییرات که در سایه تلاش‌های جنبش‌های عقیدتی‌سیاسی حمایت از حقوق زنان و حمایت از بزه‌دیدگان شکل می‌گرفت، شخصیت قربانیان را مستقل از رویداد جرم و فرد بزه‌کار به حیطه بررسی کشاند. به باور برخی از جرم‌شناسان، جنبش بزه‌دیده‌شناسی بر اثر ناتوانی جوامع در کنترل روند رو به رشد بزه‌کاری به وجود آمده است.^{۱۶} آن هنگام که تمامی تدابیر و ترتیبات پیش‌بینی شده، در پیشگیری و یا دست کم کنترل بزه‌کاری ناتوان هستند، تنها رهیافت باقی مانده، توجه به بزه‌دیدگان به منظور کاهش آسیب‌های برآمده از جرم و ترمیم آن‌ها خواهد بود. بدین ترتیب، حمایت از بزه‌دیدگان در چارچوب یک الگوی چندگانه حمایتی، مباحث بزه‌دیده‌شناسی را به خود اختصاص داد.

یافته‌های پژوهشگران در این حوزه، افزون بر فعال نمودن نقش بزه‌دیده در سیستم‌های عدالت کیفری ملی، جایگاه وی را در عدالت کیفری بین‌المللی نیز ارتقاء داد. با ورود بحث‌هایی در خصوص ضرورت گونه‌های متفاوت حمایتی، ارتقاء جایگاه بزه‌دیدگان در فرآیند کیفری، تلاش برای جبران آسیب‌های برخاسته از جرم و بازپذیرسازی اجتماعی بزه‌دیدگان، به قلمرو مطالعات بزه‌دیده‌شناسی، دورنما به طور کلی دگرگون شد. پژوهش‌های بی‌شماری با تمرکز بر این مباحث، ادبیات وسیعی را موجب شد که نتیجه منطقی آن، تأثیر بر سیاست جنایی معاصر است.

در این میان، ملل متحد که در تنظیم و ساماندهی سیاست عدالت کیفری در سطح جهانی مهم‌ترین نقش را ایفا می‌نماید، موضوع حمایت از بزه‌دیدگان را در کنگره هفتم پیشگیری از جرم و اصلاح بزه‌کاران - ۱۹۸۵، ایتالیا - مورد توجه قرار داد. نمایندگان ۱۲۵ کشور - به ویژه وزرای دادگستری، وکلا، دادستان‌های کل، رؤسای دادگاه‌های عالی، مدیران زندان‌ها و رؤسای ادارات پلیس - در نشست هفتمین کنگره ملل متحد شرکت نموده و تصمیم به اتخاذ راهبردهایی جدید در مورد حقوق بزه‌دیدگان گرفتند. در همین راستا، کارگزاران سیاست جنایی ملل متحد، اعلامیه «اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت»^{۱۷} را تنظیم نموده و تصویب آن را به مجمع عمومی پیشنهاد کردند. مجمع عمومی ملل متحد، در اعلامیه پیوست قطعنامه ۴۰/۳۴ - در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ - تلاش‌های بین‌المللی برای حمایت از بزه‌دیدگان را به نقطه اوج رساند. قطعنامه - که شکل دهنده اعلامیه است - دولت‌های عضو را به پذیرش تعهد اجرای آن فرامی‌خواند و از آنان می‌خواهد که برای حمایت از اشخاص در برابر بزه‌دیدگی، گام‌های اساسی بردارند.^{۱۸}

۱۶. ریموند گسن، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، مترجم، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷.

17. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of crime and Abuse of Power

۱۸. مهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، تهران، دادگستر، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷.

هر چند تلاش‌های بین‌المللی برای بهبود وضعیت بزهدیدگان با اعلامیه ۱۹۸۵ به ثمر نشست، اما حقیقت این است که محاکم ویژه شورای امنیت ملل متحد برای یوگسلاوی سابق و رواندا، در پاس داشت آن کوتاهی نمودند. در تلاشی برای جبران این قصور، برای نخستین بار در تاریخ بشریت، دادگاه بین‌المللی کیفری با پذیرش مشارکت^{۱۹} بزهدیده در فرآیند دادرسی کیفری و پیش‌بینی گونه‌های متفاوت حمایتی، گامی اساسی در مسیر احقاق حقوق بزهدیدگان برداشت. مقررات دیوان، گویای رهیافت‌هایی نو در قلمرو حمایت از بزهدیدگان است.

۲- دیوان بین‌المللی کیفری

در سال ۱۹۹۳، کمیسیون حقوق بین‌الملل طرحی را که حاوی ۶۰ ماده به همراه توضیحات ماهوی بود در ۸ بخش- ایجاد دیوان، ترکیب و اداره، صلاحیت، تحقیق و تعقیب، محاکمه، استیناف و تجدید نظر، همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی و اجرا - تنظیم نمود. کمیسیون حقوق بین‌الملل، طرح اساسنامه دیوان را در ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۴ تصویب نموده و به مجمع عمومی توصیه کرد، مبادرت به تشکیل کنفرانسی دیپلماتیک با حضور دولت‌ها برای بررسی اساسنامه و انعقاد کنوانسیون مبنی بر تشکیل دیوان نماید.^{۲۰} مجمع عمومی ملل متحد، کنفرانسی ۵ هفته‌ای - ۱۵ ژوئن تا ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸- را با حضور ۱۶۰ کشور، ۳۳ سازمان بین‌الدولی و ۲۳۶ سازمان غیردولتی در رُم برگزار نمود.^{۲۱} سرانجام، در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸، در مقر سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد، ۱۲۰ کشور اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری دائمی را امضاء نمودند و دیوان از ۱ ژوئیه ۲۰۰۲ فعالیت رسمی خود را در لاهه - هلند - آغاز کرد. دیوان که بر مبنای اساسنامه رُم ایجاد شده است، دارای سندهای^{۲۲} متعددی است.

۲-۱. اسناد

ماده ۷ آیین‌نامه‌های دیوان^{۲۳} مقرر می‌دارد:

«۱- یک روزنامه رسمی برای دیوان ایجاد شده و حاوی متن‌های زیر و اصلاحات مربوط به آن‌ها خواهد بود:

الف) اساسنامه؛^{۲۴}

19. participation

۲۰. پل تاورینه، «دادگاه جزایی بین‌المللی: تحولات اخیر» (سخنرانی ۷۴/۱/۲۸- شیراز)، ترجمه ابراهیم بیگزاده، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز ۷۴ تا بهار ۷۵، شماره ۱۷-۱۶، ص ۵۱۶.

۲۱. حسین میرمحمدصادقی، دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران، دادگستر، ۱۳۸۳، ص ۳۵.

۲۲. اسناد در پایگاه اینترنتی دیوان به آدرس زیر، قابل دستیابی هستند:

<http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/legal+Texts+and+Tools>.

23. The Regulations Of The Court

24. The Rome Statute

- (ب) آیین دادرسی و ادله؛^{۲۵}
 (ج) عناصر جنایت‌ها؛^{۲۶}
 (د) آیین‌نامه‌های دیوان؛
 (ه) آیین‌نامه‌های دادسرا؛^{۲۷}
 (و) آیین‌نامه‌های دفتر ثبت و بایگانی؛^{۲۸}
 (ز) قانون رفتار حرفه‌ای وکلا؛^{۲۹}
 (ح) قانون اخلاق قضایی؛^{۳۰}
 (ط) آیین‌نامه‌های کارکنان؛^{۳۱}
 (ی) آیین‌نامه‌ها و قواعد مالی؛^{۳۲}
 (ک) موافقتنامه مربوط به مزایا و مصونیت‌های دیوان؛^{۳۳}
 (ل) موافقتنامه همکاری میان دیوان و ملل متحد؛^{۳۴}
 (م) موافقتنامه مربوط به مقر با دولت میزبان^{۳۵} و
 (ن) هرگونه مورد دیگری که هیأت رئیسه ضمن مشورت با دادستان و یا رئیس دفتر ثبت و بایگانی مقرر نماید.
- ۲- روزنامه رسمی، تاریخ لازم‌الاجرا شدن هر متن یا اصلاحیه مربوطه را معلوم خواهد کرد.^{۳۶}
- به موجب این مقرر، تمام اسناد مذکور و همچنین آیین کارگزاران دیوان^{۳۷} توسط روزنامه رسمی منتشر شده‌اند.^{۳۸} از میان اسناد مورد اشاره، اساسنامه رُم، آیین دادرسی و ادله و آیین‌نامه‌های دفتر ثبت و بایگانی، حمایت‌های پیرا حقوقی دیوان از بزه‌دیدگان را مشخص می‌سازند. از این رو، پژوهش حاضر نیز بر این سه سند تمرکز نموده است.
- اساسنامه رُم، جنایت‌های بین‌المللی مشمول صلاحیت دیوان را احصا و تعریف نموده است.

25. The Rules Of Procedure And Evidence

26. The Elements Of Crimes

27. The Regulations Of The Office Of The Prosecutor

28. The Regulations Of The Registry

29. The Code Of Professional Conduct For Counsel

30. The Code Of Judicial Ethics

31. The Staff Regulations

32. The Financial Regulations And Rules

33. The Agreement On The Privileges And Immunities Of The International Criminal Court

34. The Agreement Between The International Criminal Court And The United Nations

35. The Headquarters Agreement With The Host States

۳۶. غلامرضا محمدنسل، مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۲۷۶.

37. Staff rules of the International Criminal Court

38. <http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Legal+Texts+and+Tools>.

۲-۲. جنایت‌های بین‌المللی مشمول صلاحیت دیوان^{۳۹}

دیوان، اندیشناک از قربانی شدن میلیون‌ها کودک، زن و مرد، شایسته رسیدگی به شدیدترین جنایت‌ها، یعنی نسل‌زدایی، جنایت‌های علیه بشریت، جنایت‌های جنگی و تجاوز است.^{۴۰}

۲-۲-۱. نسل‌زدایی^{۴۱}

نسل‌زدایی، از دیدگاه اساسنامه عبارت است از؛ قتل اعضای گروه، ایراد آسیب شدید جسمی یا روحی نسبت به آنان، تحمیل عمدی شرایط نامناسب زندگی بر اعضای یک گروه به منظور زوال نیروی جسمی کلی یا جزئی‌شان، تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل در گروه و انتقال اجباری کودکان گروهی به گروه دیگر، در صورتی که با هدف نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب یابند.^{۴۲}

۲-۲-۲. جنایت‌های علیه بشریت^{۴۳}

جنایت علیه بشریت عبارت است از؛ قتل، نابودی کامل، به بردگی گرفتن، اخراج یا انتقال اجباری جمعیت، حبس یا محرومیت شدید یا نقض قواعد اساسی حقوق بین‌الملل، شکنجه، تجاوز به عنف، اجبار به فحشا، بارداری اجباری، عقیم نمودن اجباری یا دیگر موارد خشونت جنسی، تعقیب، آزار، اذیت و بدرفتاری به دلایل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی یا جنسیتی، ناپدید کردن اجباری، تبعیض نژادی و هرگونه عمل غیرانسانی که دارای خصوصیت بین‌المللی بوده و موجب ایراد آسیب روحی یا جسمی شدید گردد، در صورتی که به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه هر جمعیت غیرنظامی، با علم به آن حمله صورت پذیرد.^{۴۴}

۲-۲-۳. جنایت‌های جنگی^{۴۵}

ماده ۸ اساسنامه رُم - طولانی‌ترین ماده اساسنامه - در مقام بیان تعریفی از جنایت‌های جنگی به تصویب رسیده است. جنایت‌های جنگی، به اختصار عبارتند از:

الف) نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو؛^{۴۶} از جمله کشتار عمومی، شکنجه،

۳۹. نخستین فهرست جنایت‌های بین‌المللی در منشور دادگاه نظامی نورنبرگ لحاظ گردیده است. این جنایات عبارتند از: جنایت‌های علیه صلح، جنایت‌های جنگی و جنایت‌های علیه بشریت.

40. Rome Statute, Art 5(1).

41. Genocide

42. Rome Statute, Art 6.

43. Crimes Against Humanity

44. Rome Statute, Art 7.

45. War Crimes

۴۶. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو که مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ هستند، به این موارد اختصاص یافته‌اند: ۱. بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح هنگام انتقال؛ ۲. بهبود سرنوشت مجروحان، بیماران و غریقان نیروهای

تخریب اموال، گروگان‌گیری و ...؛

ب) دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در منازعات مسلحانه بین‌المللی؛ از جمله هدایت عمدی حمله‌ها علیه اهداف غیرنظامی، بمباران شهرها، روستاها و مناطق مسکونی، استفاده ناشایست از پرچم ملل متحد و ...؛

شایان ذکر است، ماده ۸ اساسنامه رُم به پیشنهاد دولت بلژیک در کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری - ۳۱ مه تا ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ - اصلاح شده و سه بند دیگر به بندهای آن افزوده شد. همچنین، ممنوعیت کاربرد سلاح‌های ممنوعه احصاء شده برای منازعات مسلحانه بین‌المللی به منازعات مسلحانه غیربین‌المللی تسری پیدا کرد. بنابراین، به کارگیری سلاح‌های سمی، کاربرد سلاح‌های حاوی گازهای خفه‌کننده، سمی و دیگر گازهای مشابه و تمامی سلاح‌های حاوی مایعات، مواد یا ادوات مشابه، به کارگیری گلوله پخش‌شونده در بدن انسان نیز ممنوع اعلام شد.

ج) نقض فاحش ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در حالت وقوع درگیری مسلحانه غیربین‌المللی؛ از جمله قتل، قطع عضو، رفتار بی‌رحمانه، شکنجه، رفتار تحقیرکننده و ...؛

د) دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیربین‌المللی در چارچوب تعیین شده در حقوق بین‌الملل؛ از جمله غارت شهر، به خدمت گرفتن اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر پانزده سال در نیروهای مسلح یا گروه‌های نظامی و یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی، اعلان این مطلب که هیچ کس زنده نخواهد ماند و ...

۲-۴. تجاوز ۴۷

کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک رُم در تعریف تجاوز به توافق نرسیدند. از این رو، ارائه تعریف این جرم و تعیین شرایط رسیدگی به آن به شکلی سازگار با مقررات منشور ملل متحد، به کنفرانس بازنگری موکول شد. پس از مذاکرات طولانی، سرانجام اولین کنفرانس بازنگری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در تاریخ ۳۱ مه ۲۰۱۰ در کامپالا^{۴۸} - پایتخت اوگاندا - آغاز به کار نمود. این کنفرانس با وفاق عام^{۴۹} موفق به تصویب قطعنامه اصلاح اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و تعریف جنایت تجاوز شد.

جنایت تجاوز چنین تعریف شده است؛ برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای اقدام تجاوزکارانه توسط صاحب منصبی که به نحو مؤثری اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت را

مسلح در دریا؛ ۳. رفتار با اسیران جنگی؛ ۴. حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ.

47. Aggression

48. Kampala

49. consensus

کنترل یا هدایت می‌کند، که با توجه به ماهیت، شدت و گستره آن، موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می‌شود.^{۵۰} مصادیق جنایت تجاوز نیز به اختصار عبارتند از: تهاجم یا حمله به سرزمین دولت دیگر به وسیله نیروهای مسلح یک دولت، یا هر نوع اشغال نظامی، هر چند موقت که از چنین تهاجم یا حمله‌ای ناشی شود، یا هر نوع ضمیمه تمام یا بخشی از سرزمین دولت دیگر با استفاده از نیروی مسلح؛ بمباران سرزمین دولت دیگر یا به کاربرد سلاح علیه سرزمین دولت دیگر؛ محاصره بنادر یک دولت؛ استفاده از نیروهای مسلح مقیم در سرزمین دولت دیگر بر خلاف شرایط مقرر در توافقنامه منعقد با دولت پذیرنده یا تمدید دوره حضور در سرزمین دولت فرستنده بر خلاف شرایط موافقتنامه؛ اجازه استفاده از سرزمین برای ارتکاب اقدام تجاوزکارانه علیه دولت ثالث و ارسال گروه‌ها، نیروهای نامنظم و مزدوران برای انجام عملیات نیروهای نظامی علیه دولت دیگر.^{۵۱}

تا کنون هفت وضعیت^{۵۲} به دادرسی دیوان ارجاع شده است.^{۵۳} چهار وضعیت در مرحله تحقیقات ابتدایی قرار دارند که عبارتند از: دارفور سودان، جمهوری دموکراتیک کنگو، اوگاندا و جمهوری آفریقای مرکزی. سه وضعیت دیگر عبارتند از: جمهوری کنیا، جماهیر عربی لیبی و جمهوری ساحل عاج. رسیدگی به وضعیت‌های ارجاعی در قالب ۱۲ پرونده^{۵۴} صورت می‌گیرد که به تفکیک وضعیت‌ها عبارتند از: چهار پرونده در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو؛ یک پرونده در وضعیت جمهوری آفریقای مرکزی؛ یک پرونده در وضعیت اوگاندا؛ چهار پرونده در وضعیت دارفور سودان و دو پرونده در وضعیت جمهوری کنیا.^{۵۵}

چنان‌که آمد، حمایت عاطفی در شمار حمایت‌های پیراحقوقی دیوان بین‌المللی کیفری جای دارد.

۳- حمایت عاطفی

از آنجا که مفهوم درد و رنج عاطفی^{۵۶} و تمایز آن از آسیب روانی^{۵۷} برخاسته از جرم، تا مدت‌ها ناشناخته بود، حمایت‌های عاطفی به نسبت دیگر گونه‌های حمایت از بزه‌دیدگان، کمتر مورد توجه بوده‌اند.

به دلیل پیوندی که میان دو مفهوم «روان» و «عاطفه» وجود دارد، مرز میان آسیب‌های روانی و عاطفی بسیار ظریف است. عاطفه، مفهومی روان‌شناسانه و به معنای تأثیرپذیری یا

50. Rome Statute, Art 8(1) bis.

51. Ibid, Art 8(2) bis.

52. situation

53. <http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Situations+and+cases/Situations>

54. case

55. <http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Situations+and+Cases/Cases>

56. emotional sufferings

57. psychological / mental harm

واکنش‌روانی‌ای است که در برخورد با امور بیرونی، در ذهن پدید می‌آید و به شکل‌هایی مانند محبت، شوق، کینه و خشم، نمایان می‌شود.^{۵۸} بنابراین، درد و رنج عاطفی - یعنی تأثیرپذیری یا واکنش‌روانی بزه‌دیده در برخورد با جرم که ممکن است به شکل ترس، خشم، کینه و مانند آن جلوه‌گر شود - مفهومی است که در قلمرو روان‌شناسی قرار می‌گیرد. درحالی‌که آسیب‌روانی مفهومی پزشکی است که در قلمرو روان‌پزشکی می‌گنجد.

بزه‌دیدگان نیاز دارند که از احساسات مبتنی بر خشم خود رهایی یابند. آنان از نظر عاطفی به گونه‌ای بسیار عمیق متأثر شده‌اند. آنان در وضعیت حمله حتی نمی‌دانسته‌اند چگونه از خود دفاع کنند. بزه‌دیده باید فرصت ایجاد تعادل در احساساتش را از رهگذر صحبت کردن در مورد آنچه که اتفاق افتاده است، به دست آورد. ممکن است بزه‌دیده خواهان آن باشد که به دنیا بگوید در اثنای حمله به روستاها چه اتفاقی افتاده است، یا اینکه چگونه در اردوگاه‌ها و کمپ‌های پر ازدحام زیسته است. عدالت ترمیمی از رهگذر برگزاری علنی جلسات دادگاه، در پی ایجاد فرصتی برای بزه‌دیده به منظور فهمیده شدن از سوی جامعه است.

همان‌گونه که سیلوانا آربیا^{۵۹} - رئیس دفتر ثبت و بایگانی - در کنفرانس بازنگاری اساسنامه ژنوا خاطر نشان نمود؛ حق مشارکت در دادرسی‌ها، امروز یک واقعیت است.^{۶۰} حق مشارکت قربانیان در دادرسی‌ها - که از نوآوری‌های دیوان به شمار می‌آید - به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در موضعی مستقل از تعقیب و دفاع، به بیان نگرانی‌ها و دیدگاه‌های خود بپردازند. بخش مشارکت و جبران خسارات بزه‌دیدگان^{۶۱} از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، در مجموع ۲۲۹۰ درخواست مشارکت در دادرسی دریافت کرده است.^{۶۲} دیوان تا کنون دستورات متعددی مبنی بر شایستگی بزه‌دیدگان برای مشارکت در دادرسی‌ها صادر نموده است. این حق به بزه‌دیده امکان می‌دهد تا صدای خود را به گوش جهانیان برساند. به عنوان نمونه، شعبهٔ پیش از محاکمه II در پروندهٔ دادستان در برابر ویلیام سامویی روتو، هنری کیپرونو کاسگی و جوزف آرپ سانگ^{۶۳} در وضعیت جمهوری کنیا - تا تاریخ ۳۰ اوت ۲۰۱۱ - به ۳۲۷ قربانی اجازهٔ مشارکت در فرایند کیفری دیوان را اعطا کرده است.^{۶۴} همچنین، بر مبنای تصمیم شعبهٔ پیش از محاکمه II در

۵۸. مهرداد رایجیان اصلی، پیشین، ص ۸۶.

۵۹. سیلوانا آربیا (Silvana Arbia) از ایتالیا، رئیس دفتر ثبت و بایگانی است. وی در ۲۸ فوریهٔ ۲۰۰۸ برای یک دورهٔ

پنج ساله به این سمت منصوب شد.

60. International Criminal Court (RC-11-Annex.V.a-ENG), "The impact of the Rome Statute system on victims and affected communities", Stocktaking of international criminal justice, 2010, Annex V(a), p. 88.

61. Victims Participation And Reparations Section (VPRS)

62. International Criminal Court (RC/ST/V/INF.3), "Registry and Trust Fund for Victims Fact Sheet", 2010, p. 1.

63. Case The Prosecutor v. William Samoei Ruto, Henry Kiprono Kosgey & Joshua Arap Sang (ICC-01/09-01/11).

64. International Criminal Court, ICC-CPI-20110830-PR715 (Press Release: 30.08.2011), "Nairobi: ICC legal representative consults with Kenyan victims on identity disclosure and clarifies distinction between victims and witnesses", [<http://www.iccpi.int/menus/icc/press%20and%20media/press%20and%20media>]

پرونده دادستان در برابر فرانسیس کیریمی موتارا، اوهورو موئیگای کنیاتا و محمد حسین علی^{۶۵} در وضعیت جمهوری کنیا - تا ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ - ۲۳۳ قربانی شایستگی مشارکت در دادرسی‌ها را به دست آورده‌اند.^{۶۶}

در بیشتر مواقع نسبت به بزهدیدگان احساس عطف و وجود دارد، زیرا آنان متحمل رنج و آسیب‌های شدیدی شده‌اند که مستحق آن نبوده‌اند.^{۶۷} اما عطف به تنهایی مشکلی را حل نخواهد کرد. حمایت‌های عاطفی، کمک‌های روان‌شناسانه‌ای هستند که برای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی بزهدیدگان صورت می‌گیرند. پیش از هر چیز، نقش روان‌شناسان در این کمک‌ها برجسته است. به عنوان نمونه، روان‌شناسان می‌توانند در مراحل مختلف فرآیند کیفری، مانند پرسش از کودکان و یا ایجاد فرصتی برای قربانیان تجاوز به عنف برای ارائه شهادت نزد دادگاه، مشاوره تخصصی انجام دهند.

دیوان بین‌المللی کیفری به منظور حمایت عاطفی از بزهدیدگان، سازوکارهای متفاوتی پیش‌بینی کرده است. ضرورت حضور دادرسان متخصص در مسائل خاص، از جمله مسائل مربوط به خشونت علیه زنان و کودکان، از جمله این سازوکارهاست.^{۶۸} به علاوه، دیوان با تعیین مشاوران دارای تخصص حقوقی در مسائل ویژه - از جمله خشونت‌های جنسی و جنسیتی و خشونت علیه کودکان - از سوی دادستان،^{۶۹} همچنین در نظر داشتن اوضاع و احوال شخصی و منافع قربانیان و شهود - از جمله سن، سلامت آنان و ماهیت جنایت به ویژه در موارد خشونت جنسی، خشونت جنسیتی و یا خشونت علیه کودکان - به هنگام تحقیق و تعقیب،^{۷۰} حمایت عاطفی از بزهدیدگان را تضمین نموده است.

به نظر می‌رسد حمایت‌های عاطفی پیش‌بینی شده از سوی دیوان، گویای برخورد افتراقی دیوان در حمایت از گونه‌های خاص بزهدیدگان است. از سوی دیگر، دیوان با پیش‌بینی «همیار بزهدیده»، تمامی قربانیانی را که به عنوان شاهد نزد دیوان حضور می‌یابند، زیر پوشش حمایت عاطفی خود قرار داده است. بدین ترتیب، مباحث با تمرکز بر «حمایت عاطفی افتراقی» و «همیار بزهدیده» پیگیری می‌شوند.

20releases/news%20and%20highlights /pr715].

65. Case The Prosecutor v. Francis Kirimi Muthaura, Uhuru Muigai Kenyatta & Mohammed Hussein Ali (ICC-01/09-02/11).

66. International Criminal Court, ICC-CPI-20110921-PR724 (Press Release: 21.09.2011), "Kisumu: Registry and the common legal representative for victims consult with Kenyan victims ahead of the Confirmation of Charges Hearing in the case The Prosecutor v. Francis Kirimi Muthaura, Uhuru Muigai Kenyatta and Mohammed Hussein Ali", [<http://www.icc-cpi.int/menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/news%20and%20highlights /pr724>].

۶۷. یوبو بروما، «تردیدها در مورد صعود نقش بزهدیده در حقوق کیفری»، (زیر نظر هنریک کاپتین و مارک مالچ

نیکل)، پیشین، ص ۳۶.

68. Rome Statute, Art 36(8)(b).

69. *Ibid*, Art 42(9).

70. *Ibid*, Art 68(1).

۳-۱. حمایت عاطفی افتراقی

تابعان نظام کیفری همواره از نظر ویژگی‌ها و شرایط به یک گونه نیستند، برخی ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرترند.^{۷۱} به همین دلیل، حمایت عاطفی از بزه‌دیدگان گاه در گرو برخوردی افتراقی با گونه‌های خاصی از قربانیان است. برخی از بزه‌دیدگان به دلیل ماهیت خاص جرم ارتكابی - مانند خشونت جنسی - شایسته برخوردی افتراقی از سوی عدالت کیفری هستند. شماری نیز به دلیل برخورداری از معیارهای آسیب‌شناسانه‌ای نظیر سن - کودکان و سالمندان - سلامتی - ناتوانان بزه‌دیده - و یا جنس - زنان - بایسته برخورد ویژه هستند.

آسیب‌های ناشی از یک درگیری خیابانی در برابر صدمات برآمده از شکنجه، کشتار گروهی و یا تجاوز به عنف گروهی، بسیار ناچیز به نظر می‌آید. بررسی‌ها نشان می‌دهند که حتی خود بزه‌دیدگان نیز، با پذیرش تفاوت‌های موجود میان طبقات مختلف بزه‌دیدگی، خواستار حمایت ویژه از برخی قربانیان هستند. ۸۰٪ از بزه‌دیدگان، در پاسخ به پیمایشی بیان داشته‌اند که آن‌ها قربانیان خشونت‌های جنسی و پس از آن بزه‌دیدگان خشونت‌های شخصی و در پی آن اعضای خانواده قربانیان اصلی جرایم خشونت بار را، به طور ویژه، شایسته حمایت می‌دانند.^{۷۲}

وقوع مخاصمات مسلحانه منطقه‌ای و بین‌المللی، نامنی‌های ناشی از درگیری‌های قومی و حتی حوادث و بلایای طبیعی، همواره این نکته را ثابت کرده‌اند که ابتدا کودکان و سپس زنان، نخستین کسانی هستند که قربانی می‌شوند، جان خود را از دست می‌دهند، آسیب‌می‌بینند و تحقیر می‌شوند.^{۷۳} سایمون ویل^{۷۴} - عضو هیأت امنای صندوق امانی^{۷۵} دیوان - نیز خاطر نشان کرده است؛ زنان و دختران غالباً نخستین قربانیان جنگ و مناقشات مسلحانه داخلی هستند.^{۷۶} ورود قواعد خاص حمایت از افراد به قلمرو حقوق بین‌الملل موضوعه نیز، نتیجه فوری اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پس از جنگ جهانی اول است. این تحول، حمایت خاص از برخی طبقات را به دنبال داشت، بدون آنکه به حمایت عام از آنان به عنوان نوع بشر خدشه‌ای وارد گردد.^{۷۷}

بر همین اساس، دیوان بین‌المللی کیفری نیز ترتیبات حمایتی خود را با توجه به گونه‌های

۷۱. محمدرضا گودرزی، سیاست جنایی قضایی، قم، سلسبیل، ۱۳۸۴، ص ۲.

۷۲. ایان فرکلتن، «جبران خسارت از بزه‌دیدگان جرم»، (زیر نظر هنریک کاپتین، مارک مالچ نیکل)، پیشین، ص ۹۲.

۷۳. محمدعلی اردبیلی، علی حسین نجفی ابرندآبادی و عبدالرضا ایزدپناه، «حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در نظام

حقوقی ایران (میزگرد)»، مجله حقوقی دادگستری، بهار ۱۳۸۳، ش ۴۶، ص ۲۱.

74. Simon Veil

75. Trust Fund for Victims

76. <http://www.icc-cpi.int/press/pressreleases/420.html>

۷۷. محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۰، ص ۲۴۷.

خاص بزه‌دیدگان پیش‌بینی نموده است. گستره چتر حمایت عاطفی افتراقی دیوان را می‌توان در چهار بند بررسی نمود:

۳-۱-۱. کودکان

همان‌گونه که تعیین محدوده سنی برای کودکان بزهکار به منظور اعمال سیاست‌های افتراقی لازم است، در مورد کودکان بزه‌دیده نیز این ضرورت به منظور اعمال سازوکارهای حمایتی افتراقی، با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات جسمی و روحی کودکان، وجود دارد. اسناد بین‌المللی در خصوص تعیین سن کودک، معیارهایی را برای دولت‌ها تکلیف یا توصیه می‌نمایند. در این راستا، «کنوانسیون حقوق کودک» فرد زیر هجده سال را کودک می‌داند.^{۷۸} کنوانسیون، این تعریف را مطلق ندانسته و تعیین آن را به قانونگذاران ملی واگذار کرده است. اما بر پایه «رهنمودهای ملل متحد راجع به عدالت برای کودکان بزه‌دیده و شاهد جرم» محدوده سنی کودک به طور مطلق و تا هجده سال تعیین شده است.^{۷۹}

کودکان در شبکه حمایت اجتماعی در پی کسب حمایت‌اند، اما این شبکه‌ها با واقعیات اقتصادی و سیاسی جدید تحلیل رفته‌اند. کشاکش و خشونت با تأثیر بر شبکه‌های رفاه اجتماعی بنیان خانواده را متزلزل می‌سازد. تهاجم به شهروندان و اجتماعات روستایی، منجر به مهاجرت‌های انبوه و جابه‌جایی کلی جمعیت‌هایی شده است که در جست‌وجوی پناهگاهی در داخل یا خارج از مرزهای ملی خود، فرار کرده‌اند. در پیمایشی که یونیسف بر روی ۳۰۳۰ کودک در سال ۱۹۹۵ در رواندا انجام داد، حدود ۸۰٪ کودکان، یکی از اعضای درجه یک خانواده را از دست داده بودند.^{۸۰} کشاکش‌هایی که بیش از سربازان، شهروندان را تحت تأثیر سطوح وحشتناک خشونت قرار می‌دهند، آوارگی و بی‌سرپرست ماندن شمار زیادی از کودکان را در پی خواهند داشت.

آنچه که در جریان رسیدگی به اولین پرونده مطرح در دیوان بین‌المللی کیفری^{۸۱} اهمیت

78. Convention On The Rights Of The Child, Art 1.

79. Guidelines On Justice In Matters Involving Child Victims And Witnesses Of Crime, Art. 9(a).

۸۰ فرهاد ماهر، «بزه‌دیدگان گروه فراموش شده»، (زیر نظر احمدعلی فروغی ابری و دیگران)، بزه‌دیدگان؛ مجموعه

مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه‌دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه، اصفهان، نقش مانا، ۱۳۸۲، ص ۲.

۸۱ پرونده دادستان در برابر توماس لوبانگا دایلو (Thomas Lubanga Dyilo) در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو، نخستین پرونده دیوان است. لوبانگا، مؤسس و رهبر اتحادیه وطن‌پرستان کنگویی در ناحیه ایتوری، شرق جمهوری دموکراتیک کنگو، و نخستین متهم دیوان بین‌المللی کیفری است. وی متهم به ارتکاب جنایات جنگی، از جمله به خدمت گرفتن کودکان سرباز و شرکت دادن آنان در گروگان‌گیری از سپتامبر ۲۰۰۲ تا اوت ۲۰۰۳ است. وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو در تاریخ ۳ مارس ۲۰۰۴ به دادستان ارجاع شد. در تاریخ ۲۳ ژوئن ۲۰۰۴ با اعلام نظر رسمی دادستان تحقیقات آغاز شد و قرار بازداشت لوبانگا در ۱۰ فوریه ۲۰۰۶ صادر گردید. لوبانگا در ۱۷ مارس ۲۰۰۶ از بازداشتگاه کنگو به دیوان بین‌المللی کیفری منتقل گردید. جلسه تأیید اتهامات او در ۹ نوامبر ۲۰۰۶ برگزار

ویژه‌ای یافته است، مسأله «کودکان سرباز» و ضرورت تلاش برای حمایت از آنان، تا بیشترین میزان ممکن است. قوانین بین‌المللی هرگونه سربازگیری از کودکان زیر پانزده سال را منع می‌کنند. چنان‌که آمد، به کارگیری کودکان به عنوان سرباز در گروه‌های نظامی، از دیدگاه دیوان جنایت بین‌المللی به شمار می‌آید. با وجود این، نتایج نخستین پیمایش کلی در مورد کودکان سرباز - ژوئن ۲۰۰۱ - بیانگر سربازگیری کودکان در ۱۸۰ کشور بوده است.^{۸۲} پیمایش گویای ثبت‌نام بیش از نیم‌میلیون کودک در گروه‌های مسلح و نیروهای نظامی در بیش از ۸۷ کشور است. در ۴۱ کشور، حداقل ۳۰۰۰۰۰ نفر از این کودکان، فعالانه در مناقشات مسلحانه و جنگ‌ها درگیر بوده‌اند. دختران نیز در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرند و افزون بر انجام وظایف جنگی، در معرض بهره‌کشی جنسی نیز قرار دارند.

در اوگاندا،^{۸۳} حملات به اهداف بی‌دفاع غیرنظامی، توسط کودکان سربازی صورت گرفت که بسیار جوان‌تر از قربانیان خود بودند. ناراحت‌کننده‌ترین جنبه این بحران «جنگ کودکان علیه کودکان» است. کودکانی که تقریباً ۹۰٪ سربازان شورشیان را تشکیل می‌دادند، در جریان حمله به روستاها، به اجبار به عضویت این گروه درآمدند. کودکان در صورت فرار کشته می‌شدند. خشونت، برای کودکانی که با ترس مداوم زندگی می‌کنند، شیوه‌ای برای زیستن می‌شود. در این صورت، آسیب‌های روحی وارد بر آنان، غیرقابل تصور است. کودکان سرباز، به خشونت‌هایی راهبری می‌شوند که برای فهم آن، یا مقاومت در برابر آن، بسیار جوان هستند. اغلب فقیر، به دور از خانواده، ساکن مناطق جنگی و بهره‌مند از پایین‌ترین سطوح تعلیم و تربیت‌اند.

دیوان بین‌المللی کیفری در مقررات خود، جلوه‌هایی از حمایت عاطفی افتراقی نسبت به کودکان را به تصویر کشیده است. این حمایت‌ها عبارتند از:

- بهره‌گیری واحد بزه‌دیدگان و شاهدان^{۸۴} از حضور کارشناسانی با تخصص در زمینه کودکان و به ویژه کودکان آسیب‌دیده؛^{۸۵}
- در نظر داشتن نیازهای ویژه کودکان بزه‌دیده در صدور هر قرار یا دستور؛^{۸۶}
- دستور انجام اقدامات ویژه به منظور تسهیل گواهی کودکان بزه‌دیده؛^{۸۷} و
- انجام بازجویی دادستان به صورت صوتی یا تصویری از کودکان.^{۸۸}

شد. بنا به تصمیم ۱۸ نوامبر ۲۰۰۸ شعبه محاکمه I دیوان، توماس لوبانگا تا روز محاکمه در بازداشت باقی ماند. محاکمه وی در روز دوشنبه ۲۶ ژانویه ۲۰۰۹ آغاز گردید.

۸۲ فرهاد ماهر، پیشین، ص ۶.

83. <http://www.un.org/events/renstories/06/story.asp?StoryID=100>

84. Victims and Witnesses Unit

85. Rules Of Procedure And Evidence, Rule 19 (f).

86. *Ibid*, Rule 86.

87. *Ibid*, Rule 88(1).

88. *Ibid*, Rule 112.

کودکان به هنگام حضور در دیوان، و به طور خاص زمانی که در رابطه با جنایت روی داده سخن می‌گویند - و یا احتمالاً در صورت رویارویی با بزهدکار در شرایط روحی بدی قرار خواهند گرفت. این مسأله از منظر طراحان مقررات دیوان مخفی نمانده است. چنان‌که ملاحظه می‌شود، برخورد دیوان با کودکان بر مبنای نیازهای خاص آن‌ها، و به شیوه‌ای متناسب با شرایط ویژه آنان صورت می‌گیرد. کارگزاران دیوان، همواره به یاد خواهند داشت که با یک «کودک قربانی جنایت بین‌المللی» مواجه‌اند.

معیار آسیب‌شناسانه سن، افزون بر کودکان، سالمندان را نیز شایسته برخوردی افتراقی کرده است.

۳-۱-۲. سالمندان

سالمندان بزهدیده از جدیدترین گروه‌های ویژه در مطالعات بزهدیده‌شناسی حمایتی به شمار می‌آیند.^{۸۹} سالمند، موجود انسانی کاملی است که با توجه به وضعیت جسمانی و گاه روانی یا عاطفی، در برابر بزهد آسیب‌پذیری بیشتری دارد،^{۹۰} و در نتیجه سزاوار توجه ویژه و تدابیر حمایتی مناسب با وضعیت سالمندی است. نگرش ویژه به سالمندان بزهدیده ایجاب می‌نماید که چگونگی رفتار با آنان، با دیگر بزرگسالان بزهدیده یکسان نباشد. سالمند بزهدیده در پی وقوع جرم در وضعیتی بسیار وخیم‌تر از سایر بزهدیدگان قرار می‌گیرد. مراحل درمان تأثیرات زیانبار ناشی از جرم - به ویژه آسیب‌های جسمی - در مقایسه با سایر بزهدیدگان طولانی‌تر خواهد بود. از سوی دیگر، بزهدیده سالمند در دستیابی به عدالت و بهره‌مندی از خدمات موجود، نیازمند یاری ارائه‌دهندگان خدمات است. به همین دلیل، دیوان نیز برخوردی افتراقی با بزهدیدگان سالمند و تدابیر حمایتی ویژه از آنان را به رسمیت شناخته است.

واحد بزهدیدگان و شاهدان، به منظور اتخاذ تدابیر حمایتی ویژه از سالمندان، از رهنمودهای متخصصانی در زمینه اشخاص سالمند، به ویژه در رابطه با مخصصات مسلحانه و صدمات ناشی از تبعید، استفاده خواهد کرد.^{۹۱} نیازمندی‌های ویژه سالمندان به هنگام صدور قرارها از سوی شعب دیوان نیز لحاظ شده است.^{۹۲} از سوی دیگر، تدابیر ویژه‌ای از سوی دیوان برای تسهیل ارائه شهادت توسط سالمندان، پیش‌بینی خواهد شد.^{۹۳} به عنوان نمونه،

۸۹. الد گریفیتس، گوینت رابرتس و جان ویلیامز، «سالمند آزاری و قانون؛ بررسی جنبه‌های حقوقی سالمند آزاری در انگلستان»، ترجمه مهدی صبوری پور، مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ش ۵۳-۵۲، ص ۳۷۵.

۹۰. فاطمه زندگی، «درآمدی به جنبه‌های گوناگون سالمند آزاری»، مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۴،

ش ۵۳-۵۲، ص ۳۲۷.

91. Rules of Procedure And Evidence, Rule 19 (g).

92. *Ibid*, Rule 86.

93. *Ibid*, Rule 88(1).

دادرسان دیوان می‌توانند به جای اخذ شهادت از سالمندان در صحن دادگاه، که مستلزم سفر آنان به مقر دیوان است، در محل سکونت سالمند حضور یافته و شهادت او را به ثبت برسانند. سومین گروه از بزه‌دیدگان خاصی که مورد توجه دیوان قرار گرفته‌اند، بر مبنای معیار آسیب شناسانه سلامتی از دیگر قربانیان متمایز می‌شوند.

۳-۱-۳. ناتوانان بزه‌دیده

ناتوانی بزه‌دیدگان، یکی دیگر از تازه‌ترین ملاک‌های آسیب‌شناسانه برای حمایت از بزه‌دیدگان خاص به شمار می‌آید. مجمع عمومی ملل متحد با تصویب «اعلامیه رشد و پیشرفت ملل» در سال ۱۹۶۹ به طور خاص بر حمایت از ناتوانان تأکید نمود. اعلامیه دیگری در سال ۱۹۷۱ با عنوان «اعلامیه حقوق ناتوانان ذهنی» گامی دیگر در این راه به شمار می‌آید.^{۹۴} مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۷۵ با تصویب «اعلامیه حقوق ناتوانان»^{۹۵} از همه کشورهای خواست تا تدابیر ملی و بین‌المللی مقتضی را برای فراهم کردن سازوکارهای حمایتی برای ناتوانان، تدارک ببینند. ماده ۱ این اعلامیه در مقام ارائه تعریفی از فرد ناتوان، مقرر می‌دارد: «ناتوان کسی است که به سبب نارسایی یا کمبود جسمانی یا روانی، به طور کامل یا تا اندازه‌ای، از تأمین ضرورت‌های زندگی عادی در سطح فردی یا اجتماعی ناتوان است.» چنین تلاش‌هایی در سطح بین‌المللی، منجر به ورود «ناتوانی» به قلمرو بزه‌دیده‌شناسی گردید. در بزه‌دیده‌شناسی، ناتوانی ملاکی آسیب‌شناسانه برای شناساندن دسته‌ای خاص از بزه‌دیدگان است، بی‌آنکه از جهت نارسایی‌ها، محدودیت‌ها یا محرومیت‌هایی که بدان دچارند، تمایزی میان آن‌ها و دیگران برقرار باشد.

دیوان نیزگونه‌های خاص سازوکارهای ترمیمی و حمایتی متناسب با نوع و میزان ناتوانی را مقرر نموده است. با به خاطر داشتن این واقعیت که بسیاری از ناتوانی‌های جسمی ناشی از نقض‌های شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، مناقشات مسلحانه و خشونت‌های سیاسی هستند، اتخاذ رویکردی افتراقی از سوی دیوان در مواجهه با ناتوانان بزه‌دیده جنایت‌های بین‌المللی، اهمیت بیشتری می‌یابد. دیوان با توجه ویژه به نیازهای ناتوان بزه‌دیده به هنگام خدمات‌رسانی از سوی نهادهای مختلف،^{۹۶} حضور کارشناسان متخصص در زمینه آسیب‌شناسی معلولان را ضروری می‌پندارد.^{۹۷} همچنین، به منظور کاهش هرگونه ناراحتی‌های بعدی یک بزه‌دیده معلول در بیان اظهاراتش، دادستان بازرجویی از چنین بزه‌دیدگانی را به

۹۴. امیر سماواتی پیروز، «ناتوانان بزه‌دیده؛ از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری»، مجله حقوقی

دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، شماره ۵۳-۵۲، ص ۱۲۲.

95. Declaration On The Rights Of Disabled Persons

96. Rules Of Procedure And Evidence, Rule 86.

97. *Ibid*, Rule 19 (h).

صورت صوتی یا تصویری انجام خواهد داد.^{۹۸} افزون بر معیار آسیب‌شناسانه سن و سلامتی، برخی از گروه‌های بزهدیدگان نیز بر مبنای ماهیت جرم روی داده و یا جنسیت بزهدیده، شایسته حمایت‌های ویژه‌ای هستند.

۳-۱-۴. قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی

آخرین گروهی که به موجب مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، شایسته برخوردی افتراقی از سوی کارگزاران عدالت کیفری شناخته شده‌اند، بزهدیدگان خشونت‌های جنسی و جنسیتی هستند. خشونت یا همان شکل افراطی تهاجم،^{۹۹} از سوی سازمان جهانی بهداشت چنین تعریف شده است: «خشونت استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی، ارعاب یا تهدید بر خود یا دیگری یا علیه یک گروه یا جامعه است که منجر به آسیب، مرگ، آسیب‌روانی، سوء رشد و تکامل یا محرومیت و یا به احتمال زیاد، وقوع این موارد می‌شود».^{۱۰۰}

خشونت به تناسب اینکه در کجا، چه زمانی، به چه شکلی و نسبت به چه کسانی رخ دهد، به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود. تمامی جرایم جنسی شناخته شده از سوی دیوان را می‌توان تحت عنوان «خشونت جنسی»^{۱۰۱} جای داد. از سوی دیگر، نوعی از خشونت که بر اساس جنسیت بزهدیده و با لحاظ تفاوت‌های جنسیتی بر او اعمال می‌شود، زیر عنوان «خشونت جنسیتی»^{۱۰۲} قرار می‌گیرد. خشونت علیه زنان، حقیقتی است که در مباحث بزهدیده‌شناسی نمودی برجسته‌تر از سایر انواع خشونت‌ها یافته است.^{۱۰۳} تمام رفتارهای خشونت‌آمیزی که به دلیل زن بودن بر زنان روا می‌شوند، در قلمرو خشونت‌های جنسیتی قرار می‌گیرند. دیوان، قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی را به لحاظ آسیب‌های عمیق روحی وارد بر آنان، در خور حمایتی ویژه انگاشته است. مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، ضرورت حضور مشاورانی متخصص در زمینه خشونت‌های جنسیتی را در کنار دادستان، مورد تأکید قرار داده‌اند.^{۱۰۴} در همین راستا، دادستان دیوان مشاوره مخصوص در امور مربوط به جنسیت برای خود برگزیده

98. *Ibid*, Rule 112.

۹۹. علی‌حسین نجفی ابرندآبادی و حمید هاشم‌بیگی، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری گنج دانش، ۱۳۷۷، ص ۳۵۱.
۱۰۰. سازمان جهانی بهداشت، *خشونت علیه زنان*، ترجمه شهرام ربیعی فر و سعید پارسی‌نیا، تهران، تندیس، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸.

101. sexual violence

102. gender violence

۱۰۳. شادی عظیم‌زاده، «پویایی جلوه‌های سیاست جنایی در حمایت از زنان بزهدیده خشونت»، *مجله حقوقی*

دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ش ۵۳-۵۲، ص ۲۰۶.

104. Rome Statute, Art 42(9).

است. ۱۰۵

هر چند ایراد جراحت به غیرنظامیان باید با ضرورت نظامی توجیه گردد و یافتن ضرورتی نظامی برای تجاوز به زنان یا کودکان محال است، با وجود این درگیری‌های نظامی و براندازی‌های قومی همواره شکل‌های مشخصی از خشونت علیه زنان را در پی داشته‌اند. در رواندا، از خشونت جنسی علیه زنان و دختران به عنوان حربه‌ای جنگی و ابزاری برای کشتار جمعی استفاده شده است. شاید زنان به عنوان حاملان ایدآل هویت فرهنگی تسخیر می‌شوند و شاید سربازان از تجاوز و سایر شکل‌های خشونت جنسی برای تحقیر زنان استفاده می‌نمایند. با عمل تجاوز، افزون بر تحقیر زن، گروه و جامعه‌ای - مذهبی، نژادی یا ملی - که وی به آن تعلق دارد نیز تحقیر می‌شود. جرایم جنسی به عنوان یکی از نمادهای پیروزی از سوی متجاوزان ارتکاب می‌یابند.

آمار بالای تجاوز به زنان در خلال مناقشات مسلحانه، منجر به تجویز رویکرد سیاسی «ترجیح صلح بر عدالت» گردیده است.^{۱۰۶} در مقدمه اساسنامه ژنوا سخنی از «عدالت» به میان نیامده است. وظیفه دیوان همکاری و مساعدت به منظور تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی است. در حقیقت، رسالت اصلی حقوق بین‌الملل کیفری به عنوان بازوی مسلح نظام حقوقی بین‌المللی، دفاع از نظم عمومی بین‌المللی و مجازات اشخاصی است که با ارتکاب جنایت‌های بین‌المللی این نظم را مختل ساخته‌اند.^{۱۰۷} آنچه که به طور ویژه برای قربانیان تجاوز به عنف اهمیت دارد این است که، فرد متجاوز دیگر نتواند به شخص دیگری صدمه بزند.^{۱۰۸} از این‌رو، فرونشانی مناقشات و توقف خشونت‌ها، بسیار ارزشمند تلقی می‌گردد.

قربانیان خشونت‌های جنسی به آسیب‌های حاد روانی و جسمانی مبتلا می‌گردند. تحقیقات نشان می‌دهند که زنان بعد از تجربه جرایم جنسی به شدت افسرده و مضطرب می‌شوند، ممکن است حتی قادر به خوابیدن نباشند و یا دچار کابوس‌ها و فریادهای شبانه شوند.^{۱۰۹}

۱۰۵. پروفسور کاترین مکینان (Catharine A. Mackinnon) در ۲۶ نوامبر ۲۰۰۸ از سوی لوئیس مورنو اوکامپو (Luis Moreno Ocampo، دادستان دیوان، به عنوان مشاور مخصوص دادستان در امور مربوط به خشونت‌های جنسیتی برگزیده شد. وی با دفتر بخش کودک و جنسیت دیوان همکاری می‌نماید.

[<http://www.icc-cpi.int/press/pressrelease/450.html>]

۱۰۶. ریچارد گلدستون، «ارزیابی عملکرد دادگاه‌های سازمان ملل متحد برای یوگسلاوی سابق و رواندا» (سخنرانی)، ضمیمه «بررسی ضمانت اجرای تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی»، رضا پاکدامن، (زیر نظر اسحاق آل‌حبیب)، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، ص ۴۶۶.

۱۰۷. علی حسین نجفی ابرندآبادی، «مسئولیت کیفری بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی، پاییز ۱۳۷۳ تا تابستان ۱۳۷۴، ش ۱۵، ص ۱۷۱.

۱۰۸. موریس کوشن، اصول جرم‌شناسی، ترجمه میرروح‌الله صدیق بطحایی، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵، ص ۱۹۱.

۱۰۹. سازمان جهانی بهداشت، پیشین، ص ۷۸.

برخی از آنان نفرت و ترس از جنس مرد را هرگز در زندگی خانوادگی و اجتماعی خویش یاد نمی‌برند.^{۱۱۰} بزه‌دیدگان خشونت‌های جنسی باید به کمک گفتگو، بحران‌پس از بزه‌دیدگی را سپری نمایند. این گروه از قربانیان، نیاز دارند که عواطف و احساساتشان مورد توجه و تأیید قرار گیرد و به طریقی اطمینان خاطر پیدا کنند که آن‌ها هیچ تقصیری در بزه‌دیدگی‌شان نداشته‌اند.

افزون بر این مشکلات، زنان قربانی تجاوز جنسی با فرزندان ناخواسته‌ای روبه‌رو می‌شوند که یا آنان را از بین می‌برند - که خود عواقب و آثار زیانبار جسمی و روحی بسیاری برای آنان به همراه دارد - و یا با به دنیا آوردن فرزندان دچار مشکلات دیگری می‌شوند. تأمین هزینه زندگی چنین کودکانی، برای مادرانی که به احتمال زیاد همسران و پدران‌شان کشته شده‌اند، بسیار مشکل است. از این کودکان گاه با عنوان «کودکان خاطرات تلخ» یا «بچه‌های نفرت» یاد می‌شود.^{۱۱۱} تأثیرات این جرایم بر سلامت اجتماعی نیز منفی و گسترده است. این امکان وجود دارد که هنجارهای اجتماعی، با جدا شدن زنان بزه‌دیده از خانواده‌های شان و یا جداسازی آن‌ها توسط خانواده‌ها و جوامع‌شان، شکسته شده و از بین بروند.

دیوان برای حمایت از بزه‌دیدگان خشونت‌های جنسی و جنسیتی، مقررات مختلفی را در آیین دادرسی و ادله پیش‌بینی نموده است:

- ضرورت هوشیاری دیوان در کنترل روش بازجویی از بزه‌دیده به منظور جلوگیری از هرگونه آزار یا ارعاب و توجه ویژه به پرسش طرف مقابل از بزه‌دیدگان خشونت‌های جنسی؛^{۱۱۲}

- انجام بازجویی به صورت صوتی یا تصویری از سوی دادستان، در مورد قربانیان خشونت‌های جنسی یا جنسیتی؛^{۱۱۳}

- دستور شعبه بر انجام اقدامات ویژه، مانند ترتیباتی برای تسهیل در ادای شهادت بزه‌دیدگان خشونت‌های جنسی؛^{۱۱۴}

- حضور مشاورانی با تخصص در زمینه مشاوره جنسیتی در واحد بزه‌دیدگان و شاهدان؛^{۱۱۵}

- انجام اقداماتی مرتبط با حساسیت جنسیتی، از سوی رئیس دفتر ثبت و بایگانی به منظور

۱۱۰. مهرانگیز کار، خشونت علیه زنان، تهران، انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان، ۱۳۸۰، ص ۳۶۴.

۱۱۱. حسین میرمحمدصادقی، «نسل‌کشی و خشونت جنسی در رواندا»، حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه

مقالات)، تهران، میزان، ۱۳۷۷، ص ۱۶۰.

112. Rules Of Procedure And Evidence, Rule 88 (5).

113. *Ibid*, Rule 112.

114. *Ibid*, Rule 88(1).

115. *Ibid*, Rule 19(e).

تسهیل مشارکت قربانیان جرایم جنسی در تمام مراحل دادرسی؛^{۱۱۶}
 - ملاحظه نیازهای قربانیان خشونت‌های جنسی یا جنسیتی از سوی شعب دیوان در صدور هر قرار یا دستور، و از سوی سایر نهادهای دیوان در اجرای وظایف آنان بر اساس اساسنامه و آیین دادرسی و ادله؛^{۱۱۷} و

- برگزاری غیرعلنی هر یک از مراحل دادرسی یا اجازه ارائه ادله از طریق وسایل الکترونیکی یا سایر وسایل ویژه، در مورد قربانی خشونت‌های جنسی.^{۱۱۸}
 در پایان، ذکر این نکته ضروری است که راهبردهای ویژه دیوان در خصوص مبانی ادله اثبات جرم در موارد خشونت‌های جنسی نیز می‌تواند در قلمرو حمایت‌های عاطفی دیوان قرار گیرند. ماده ۷۰ آیین دادرسی و ادله با عنوان «مبانی ادله در موارد خشونت جنسی» به این مسأله پرداخته است. بر این اساس:

(الف) در صورتی که هنگام ارتکاب جرم؛ اجبار، تهدید به اجبار، اکراه یا شرایطی وجود داشته است که توانایی بزه‌دیده برای اعلام رضایت ارادی و واقعی را تحت تأثیر قرار داده باشد، رضایت نمی‌تواند به دلیل هیچ کلام یا رفتاری از بزه‌دیده استنباط شود؛

(ب) در صورتی که بزه‌دیده از اعلام رضایت واقعی ناتوان باشد، نمی‌توان رضایت را از گفتار یا رفتار وی استنباط نمود؛

(ج) رضایت نمی‌تواند از سکوت یا عدم مقاومت قربانی استنباط شود؛ و

(د) قابلیت پذیرش، خصوصیت یا زمینه برای آمادگی جنسی یک بزه‌دیده یا شاهد، نمی‌تواند از ماهیت جنسی رفتار قبلی وی استنباط شود.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، ضرورت توجه ویژه به بزه‌دیدگان خشونت‌های جنسی و در نظر داشتن شرایط روحی خاص آن‌ها، نه تنها به تعامل و برخورد حمایت‌گرایانه با این گروه‌ها منجر شده است، بلکه شرایط و معیارهای ویژه‌ای را نیز در مسأله حساس پذیرش ادله و اثبات جنایت‌های بین‌المللی مشمول صلاحیت دیوان، به همراه آورده است. شناسایی این موضوع و توجه به حساسیت آن از سوی دیوان بین‌المللی کیفری، پیشرفتی بی‌نظیر در حمایت از بزه‌دیدگان در سطح عدالت کیفری بین‌المللی است.

پیش‌بینی همیار بزه‌دیده، نمودی دیگر از حمایت‌های عاطفی دیوان به شمار می‌آید.

۲-۳. همیار بزه‌دیده^{۱۱۹}

نگاه به بزه‌دیده از دریچه‌ای مثبت، موجب تحول نظام سنتی جبران خسارت به نظام سازمان

116. *Ibid.*, Rule 16(1)(d).

117. *Ibid.*, Rule 86.

118. *Ibid.*, Rule 68(2).

119. victim helper

یافته حمایت از بزه‌دیدگان گردیده است.^{۱۲۰} امروز، نه تنها دامنه این حمایت تا ضرورت حمایت عاطفی از بزه‌دیدگان پیش رفته است، بلکه پویایی جلوه‌های آن به پیش‌بینی همیاری برای بزه‌دیده گواهِ نیز، منجر شده است.

بزه‌دیدگانی که به عنوان شاهد در دیوان حضور می‌یابند، به هنگام ادای شهادت، تجربه بزه‌دیدگی خویش را دوباره به یاد می‌آورند. قربانیان به هنگام پاسخگویی به پرسش‌ها، تمامی جنایت ارتکاب یافته را بار دیگر در ذهن خود بازسازی می‌کنند. این یادآوری تلخ و دردناک در شرایطی صورت می‌گیرد که - به احتمال زیاد - قربانیان در مکانی بسیار دور از کشور خود به سر می‌برند؛ بدون بهره‌مندی از حضور خویشاوندان و دوستانی که چنانچه این شهادت در وطن آنان صورت می‌گرفت، وی را همراهی می‌کردند. کودکی که شاهد کشتار گروهی تمام اعضای خانواده و دوستان خود بوده و خود نیز قربانی شکنجه شده است، هنگام ادای شهادت در مکانی که برای او بیگانه است، با بحرانی جدی روبه‌رو خواهد بود. به احتمال زیاد، او حتی متوجه حرف‌های اطرافیان خود نیز نمی‌باشد، زیرا آنان به زبانی دیگر سخن می‌گویند.

برای گذر از چنین وضعیتی - که به احتمال زیاد برای بسیاری از قربانیان پیش خواهد آمد - شعبه دیوان می‌تواند دستوری مبنی بر همراهی بزه‌دیده از سوی یک مشاور، وکیل، روان‌شناس یا عضوی از خانواده‌اش به هنگام ادای شهادت در دیوان، صادر نماید.^{۱۲۱} دیوان می‌تواند هزینه حضور همیار بزه‌دیده را تأمین کند.^{۱۲۲} توصیه‌های یک مشاور یا وکیل، در شرایطی که بزه‌دیده زیر فشار روحی ناشی از یادآوری رویداد بزه‌دیدگی قرار دارد، برای او بسیار ارزشمند است. از سوی دیگر، همیاری قربانی از سوی یک روان‌شناس یا یکی از اعضای خانواده، در کاهش اضطراب وی مؤثر است و احساس امنیت را برای بزه‌دیده به دنبال خواهد داشت. پیش‌بینی چنین سازوکاری در دیوان بین‌المللی کیفری، پیشرفتی بی‌نظیر در سیستم عدالت کیفری بین‌المللی به شمار می‌آید.

بزه‌دیده دیگر به مثابه ابزاری برای اثبات جنایت‌های بین‌المللی انگاشته نمی‌شود. احساسات، عواطف و امنیت روحی و روانی وی - که بیشترین تأثیر را از جرم پذیرفته است - به هنگام ادای شهادت، از منظر طراحان مقررات دیوان مورد توجه قرار گرفته است. چنین رویکردی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و حتی در بیشتر سیستم‌های قضایی ملی بی‌سابقه است. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به کسانی که متحمل آسیب‌های شدید عاطفی و روحی شده‌اند، احساس همدردی نموده و در انجام رسیدگی‌ها، رعایت حال آنان را می‌نماید.

۱۲۰. مهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده در فرآیند کیفری، تهران، خط سوم، ۱۳۸۱، ص ۱۶۸.

121. Rules of Procedure And Evidence, Rule 88 (2).

122. Regulations of the Registry, Reg 99.

افزون بر حمایت‌های عاطفی از بزه‌دیدگان، شمار زیادی از خدمات اجتماعی نیز - بر مبنای ماهیت این خدمات - در گستره حمایت‌های پیرا حقوقی دیوان قرار دارند.

۴- حمایت اجتماعی

جرم‌شناسی بزه‌دیده‌شناختی، بزه‌دیدگان را به اعتبار یکی از وجوه واکنش اجتماعی بررسی می‌کند و در مسیر برآوردن خواسته‌های آنان گام بر می‌دارد.^{۱۲۳} نیازها و خواسته‌های قربانیان خطرناک‌ترین جنایت‌های بین‌المللی چقدر «متفاوت از» یا «مشابه با» نیازهای بزه‌دیدگان در سایر جرایم است؟ به نظر می‌رسد تمایز مهم میان بزه‌دیدگی در نقض‌های شدید حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه و دیگر جرایم، تأثیر بر «گروه» است.

صدمه یک بزه‌دیدگی توده‌ای^{۱۲۴} مانند نسل‌زدایی، تنها به بزه‌دیده مستقیم جرم یا خانواده او محدود نمی‌شود. بزه، یک گروه اجتماعی را آماج قرار داده و پیام‌آور ترسی برای همه اعضای جامعه‌ای است که شاهد چنان وقایعی بوده‌اند. بزه‌دیدگان احساس می‌کنند عضویت آنان در یک گروه - ملی، نژادی، مذهبی یا ... - منجر به بزه‌دیدگی‌شان شده است. از این‌رو، این امکان وجود دارد که از گروهی که به آن تعلق داشته‌اند بیزاری جویند. در چنین شرایطی «بازپذیرسازی اجتماعی» بزه‌دیدگان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

به علاوه، داشتن تصویری قالبی از بزه‌دیده، به همان میزان غیرعلمی است که داشتن تصویری قالبی از بزه‌کار.^{۱۲۵} تلاش‌های اساسی به منظور بازسازی قربانیان، نمی‌تواند به حمایت‌های عاطفی محدود گردد. تنوع نیازهای بزه‌دیدگان، گونه‌ای دیگر از حمایت‌ها را نیز در قالب حمایت اجتماعی ضروری می‌سازد.

دیوان بین‌المللی کیفری با تأکید بر «بازپذیرسازی بزه‌دیدگان از سوی شبکه‌های اجتماعی» در کنار «بازپذیرسازی بزه‌دیدگان از رهگذر توان‌بخشی و بازپروری» به عنوان یکی از مصادیق جبران^{۱۲۶}، ضرورت حمایت اجتماعی از قربانیان را به رسمیت شناخته است.

۴-۱. بازپذیرسازی بزه‌دیدگان از سوی شبکه‌های اجتماعی

بی‌گمان در کنار جامعه دولت‌ها - و یا به بیانی بهتر - فراتر از جامعه دولت‌ها، جامعه‌ای جهانی وجود دارد که هر فرد انسانی عضو آن است.^{۱۲۷} بازسازی جوامع پس از تحمل جنایت‌های

۱۲۳. ریموند گسن، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، مجلد، ۱۳۷۴، ص ۱۹۴.

124. collective/group victimization

۱۲۵. ژرژ پیکا، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰،

ص ۴۷.

126. reparation

۱۲۷. هدایت‌الله فلسفی، «تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، پاییز ۷۴ تا

گروهی، یکی از اهداف دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان نماینده اعضای جامعه بین‌المللی است. انجام خدمات اجتماعی از سوی شبکه‌های اجتماعی موجود در وضعیت‌های دچار بحران، شیوه کارآمدی در بازپذیرسازی بزهدیدگان به شمار می‌آید. به طور کلی تکیه بر ظرفیت‌های بی‌بدیل نهادهای مدنی در گره‌گشایی وضعیت‌های دچار بحران، سودمند است. اهمیت این راهکار، در مورد دیوان که نهادی بین‌المللی - با مسئولان، کارگزاران، بزهدیکاران و بزهدیدگانی بین‌المللی - و متکی بر همکاری‌های بین‌المللی است، مشخص‌تر است. خدمات‌رسانی به قربانیانی که هر یک در گوشه‌ای از جهان زندگی خود را سپری می‌کنند، تنها از رهگذر نهادهایی که در همان مکان‌ها مستقر باشند، عملی است. تشویق و تقویت مردم در ساماندهی محافظت از خویش، همان حمایت از آنان است.^{۱۲۸} کمک‌رسانی سریع به بزهدیدگان و خانواده‌های شان در مناطق محروم و روستایی، باید از سوی جامعه بین‌المللی و از طریق سازمان‌های مدنی و غیردولتی فراهم گردد. سازمان‌هایی که در وضعیت‌های دچار بحران مستقر شوند و با تقویت و ساماندهی نهادها و شبکه‌های موجود داخلی، خدمات اجتماعی وسیع و متنوعی را فراهم نمایند.

در جریان جنگ در جمهوری دموکراتیک کنگو، دفتر هماهنگی امور انسان دوستانه در کنگو، هواپیمایی تهیه نمود تا با عبور از خطوط شورشیان، امتحانات دبیرستانی ملی را در شهرها و روستاهای سراسر کشور برگزار کند.^{۱۲۹} مشاور ارشد امور انسان دوستانه در مناطق تحت کنترل شورشیان در کنگو، می‌گوید: «هزاران کودک منتظر امتحانات خود بودند. رساندن سوال‌ها نه فقط به خاطر این کودکان، بلکه به عنوان نشانه‌ای از این امید که کنگو می‌تواند از جنگ داخلی رها شود و به عنوان یک ملت انجام وظیفه نماید، اهمیت داشت.»^{۱۳۰}

در این راستا، به موجب مقررات دیوان، واحد بزهدیدگان و شاهدان در ارائه ترتیبات و اقدامات حمایتی، با دولت‌ها^{۱۳۱} و سازمان‌های غیردولتی^{۱۳۲} همکاری خواهد کرد. در حقیقت موفقیت دیوان که نهادی نوپا و جوان است - با در نظر داشتن منابع انسانی و مالی محدودی که دارد - در گرو همکاری دولت‌ها و به خصوص سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر است. دفتر ثبت و بایگانی دیوان، باید شبکه‌های محلی را توسعه دهد.^{۱۳۳} دیوان بین‌المللی کیفری ضمن رسیدگی به پرونده‌ها، در این زمینه نیز تصمیمات مناسب را اتخاذ می‌نماید. به عنوان نمونه، همسو با تصمیم شعبه پیش از محاکمه II در وضعیت جمهوری کنیا، سورتا

بهار ۷۵، ش ۱۷-۱۶، ص ۱۰۸.

128. Liam Mahony, "Proactive Presence: Field strategies for civilian protection", Center for Humanitarian Dialogue (Summery), p. 5. [<http://www.hdcenter.org/files/proactive%20presence.pdf>].

129. <http://www.unic-ir.org/publication/farsi/jang.htm>

130. *Ibid.*

131. Rules Of Procedure And Evidence, Rule 17 (a)(6).

132. *Ibid.*, Rule 18(e).

133. Regulations of the Registry, Reg 89(2)

چانا^{۱۳۴} رهبری رایزنی با سازمان‌های جامعه مدنی و سامان‌دهی آن‌ها را در کنیا بر عهده دارد.^{۱۳۵} تنظیم و توسعه برنامه‌های حمایتی در زمینه‌های اجتماعی - در اولین فرصت ممکن - برای بزه‌دیدگان، خانواده‌های شان و افراد وابسته نیز، از وظایف دفتر ثبت و بایگانی دیوان به شمار می‌آید.^{۱۳۶}

توزیع امنیت در جامعه، که از اهداف عدالت ترمیمی به شمار می‌آید،^{۱۳۷} در گرو اهتمام گروهی اعضای جامعه درگیر در مناقشات است. بی‌تردید، مشارکت اعضای جوامع دچار مناقشات مسلحانه در فرونشانی بحران‌ها و بازگرداندن آرامش به جوامع، تأثیرهای بسیار مثبتی بر روند بهبودی بزه‌دیدگان خواهد داشت. عدالت ترمیمی در پی توقّف خشونت و بازگرداندن شرایط به وضعیت پیش از بزه‌دیدگی است.^{۱۳۸}

همسو با این جهت‌گیری‌ها، واحد بزه‌دیدگان و شاهدان باید اقدامات حمایتی خود را متناسب با انواع جرایم ارتكابی برگزینند، تا پتانسیل التیام را به بیشترین میزان ممکن برساند. به عنوان نمونه، در مورد نسل‌زدایی با شمار بسیار زیادی از قربانیان و رنج و آسیب بی‌نهایت مواجه هستیم؛ با صدماتی که بر تمامی جنبه‌های زندگی - جسمی، روحی، خانوادگی، اجتماعی و ... - اثر می‌گذارند. بزه‌دیدگان در پی تحمّل این جنایت‌ها، قدرت احساس لذت از حیات و زندگی را از دست می‌دهند. در جرایم سیستماتیک، گستره وسیعی از نیازها باید برآورده شوند، زیرا خشونت تمامی ارتباطات انسانی و اجتماعی توأم با مهر و انسان‌دوستی را ویران کرده است.^{۱۳۹} بنابراین، برای کمک‌رسانی به بزه‌دیدگان نسل‌زدایی، باید بر ترمیم اجتماعی تمرکز نمود. باید از رهگذر فعالیت‌ها و اقداماتی که حسن اعتماد به دیگران را به بزه‌دیدگان باز می‌گرداند، بازگشت آنان به گروه و جامعه را میسر ساخت.

بزه‌دیدگان برای رهایی از مشکلاتی که برای بیان و فهمانیدن رنج‌ها و احساسات ناشی از بزه‌دیدگی خود داشته‌اند، و نیز به منظور درک آنچه مربوط به عمل ارتكابی و آثار آن می‌گردد، انجمن‌ها و گروه‌هایی تشکیل می‌دهند. هدف، تشکیل جلسات منظمی به منظور تبادل تجربه‌ها میان اعضا، به یاری هم شتافتن و اجتناب از مشاوره و قضاوت کسانی است که بزه‌دیدگی

134. Sureta Chana

135. International Criminal Court, ICC-CPI-20110830-PR715 (Press Release: 30.08.2011), *op. cit.*

136. Regulations of the Registry, Reg 83(1)

۱۳۷. مصطفی عباسی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، تهران، دانشور، ۱۳۸۲، ص ۹۴.

۱۳۸. مایکل مایز، «اهداف عدالت ترمیمی»، (زیر نظر مارتین رایت، تونی مارشال، مایکل مایز و دیگران)، عدالت

ترمیمی: ارتقاء بخشیدن رویکرد بزه‌دیده محوری (مجموعه مقالات)، ترجمه امیرسماواتی پیروز، تهران، خلیلیان،

۱۳۸۳، ص ۳۸.

139. Marieke Wierda & Pablo de Greiff, *Reparations and The International Criminal Court: A Prospective Role For The Trust Fund for Victims I*, International Center for Transnational Justice, p. 35.

آنان را نادیده می‌گیرند.^{۱۴۰} چنین فرصتی این امکان را به قربانیان می‌دهد که خود را عضو یک گروه احساس کنند و برای آغاز یک زندگی جدید آماده شوند. بزهدیدگان در صورت بهره‌مندی از فرصتی برای صحبت کردن دربارهٔ تجربهٔ بزهدیدگی خود و واکنش‌های شان نسبت به رویداد جنایی، تخلیهٔ روانی شده و احساس آرامش و امنیت می‌نمایند.^{۱۴۱} بزهدیده در اثر مراقبت از سوی دوستان خود، احساس امنیت و حمایت روانی می‌کند.^{۱۴۲} گفت‌وگو، به خودی خود، فرآیندی ترمیم‌گرا و التیام‌دهنده است. بزهدیده از رهگذر بازگویی سرگذشت بزهدیدگی خود، و آثار نامطلوب آن برای خود و خانواده‌اش، و در پی آن همدردی و همنوایی گروه، از کارکرد روانی گفت‌وگو بهره‌مند می‌شود. این امر، سازگاری وی با شرایط به وجود آمده پس از بزهدیدگی را آسان‌تر می‌سازد.

گروه‌های خودیاری^{۱۴۳} به سادگی قابل دسترسی و نسبتاً کم‌هزینه هستند، اما معایبی نیز خواهند داشت. ممکن است بزهدیدگانی که این گروه‌ها را تشکیل می‌دهند، هنوز درگیر نتایج و آثار بزهدیدگی خود باشند. در این صورت، برای آنان بسیار سخت خواهد بود که بتوانند به فرد دیگری کمک کنند.^{۱۴۴} اما در مجموع، کمک‌رسانی بزهدیدگان به بزهدیدگان موفق ارزیابی می‌شود، زیرا از ناحیهٔ کسانی ساماندهی می‌شود که خود نیز پیش‌تر طعم تلخ بزهدیدگی را چشیده‌اند. بدین سان، حمایت اجتماعی بیش از هر چیز به وسیلهٔ انجمن‌ها یا نهادهایی جامعهٔ عمل بر خود می‌پوشد که به ابتکار خود بزهدیدگان راه‌اندازی شده‌اند.

تجارب افراد بزهدیده از جرم متفاوت است و آن‌ها به روش‌های مختلفی تجارب خود را بیان می‌کنند. ویژگی‌های شخصی افراد نیز افزون بر شدت جرم، در متفاوت بودن واکنش‌ها مؤثر است. فرد، طی فرآیندی شناختی از عهدهٔ عواقب جرم بر می‌آید. به این معنا که بزهدیده با توجه به شناختی که از پی آمدهای جرم بر حسب نوع خصایص شخصی خود پیدا می‌کند، نسبت به آن پی آمدها واکنش نشان می‌دهد. اما به نظر می‌رسد، مهم‌ترین عامل تعیین‌کنندهٔ واکنش بزهدیدگان، محیط اجتماعی است. آزادی فعالیت در جامعه و یا محدودیت در این آزادی - پس از تحمل بزهدیدگی - واکنش شخصی در برابر جرم را تعیین می‌کند.

۱۴۰. ژینا فیلیزولا و ژرار لُپز، بزهدیده و بزهدیده‌شناسی، ترجمهٔ روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، تهران، مجد، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱.

۱۴۱. امیر سماواتی پیروز، عدالت ترمیمی: تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، تهران، نگاه بینه، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴.

۱۴۲. عزت فتح، «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزهدیده؛ ضرورت یک تغییر بنیادی در سیاست جنایی کنونی»، ترجمهٔ سوسن خطاطان و علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجلهٔ قضایی و حقوقی دادگستری، بهار ۱۳۷۱، ش ۳، ص ۹۹.

143. self-help groups

144. Jo-Anne Wemmers, "Reparation and The International Criminal Court: Meeting The Needs Of Victims", Report of the workshop held January, 28th 2006, p. 30.

تنها زمانی می‌توان با آثار زیانبار بزه‌دیدگی‌ها مقابله کرد که بزه‌دیدگان یک جایگاه اجتماعی پیدا کنند. بزه‌دیدگان باید بدانند، این امکان را دارند که از وقوع آسیب وارده صحبت کنند. همچنین، این امکان را دارند که صحبت‌های آنان شنیده و درک شود و رنج‌های شان فهمیده شود. این امر، به ویژه در مورد قربانیان خشونت‌های جنسی بسیار مهم تلقی می‌شود. بی‌تردید، دیوان بین‌المللی کیفری تأثیرهای مشخص سیاسی اجتماعی مثبتی در وضعیت‌های تحت تحقیق دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که قربانیان، علایقی متفاوت و گاهی پُر شور در مورد اقدامات دیوان دارند. دیوان در تمام وضعیت‌ها، اثرات بسیاری بر آغاز مباحث و بیان نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت در میان جامعه مدنی داخلی و محلی داشته است. در جمهوری آفریقای مرکزی، تمرکز دادگاه بر جرایم جنسی، به بزه‌دیدگان کمک می‌کند تا تابوهای فرهنگی در مورد بحث و صحبت در خصوص تجاوز جنسی را بشکنند.^{۱۴۵} چنین پی‌آمدهایی در رهایی بزه‌دیدگان از پیله بزه‌دیدگی و تلاش برای آغاز یک زندگی نو و همراه با امید، مؤثر خواهد بود.

گستره چتر حمایت‌های اجتماعی دیوان، گذشته از بازپذیرسازی بزه‌دیدگان از رهگذر شبکه‌های اجتماعی، توان‌بخشی و بازپروری آنان را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد.

۴-۲. بازپذیرسازی بزه‌دیدگان از رهگذر توان‌بخشی و بازپروری^{۱۴۶}

ناتوانی در ایفای نقش‌های اجتماعی، احساس بریدگی از دیگران و ترس از آینده‌ای مبهم که از پس بزه‌دیدگی رخ می‌نماید، بزه‌دیدگان را در بازگشت به جامعه خود دچار مشکل می‌سازد. قربانیان نیازمند پهنای گسترده‌ای از حمایت‌های اجتماعی هستند که در قلمرو «توان‌بخشی و بازپروری» جای می‌گیرد.

بزه‌دیدگان در جست‌وجوی یافتن پاسخی برای این پرسش هستند که، چرا آنان بزه‌دیده این جرایم شده‌اند؟ عذرخواهی صمیمانه بزه‌کار و کلماتی که بیانگر ندامت او باشند، برای بزه‌دیده‌ای که از نظر روحی به آن نیاز دارد، سودمند خواهد بود. بزه‌دیدگانی که از رفتارهای خشونت‌آمیز صدمه دیده‌اند، دارای نیازهایی هستند که باید در سطح نمادین برآورده شوند. چنین تدابیری، باید در بردارنده مداخله بزه‌کاران باشند تا بتوانند فرآیندهای ترمیمی نسبت به بزه‌دیدگان را تسهیل و تسریع نمایند. برآورده نمودن چند بُعدی نیازهای بزه‌دیدگان، ضرورتی

۱۴۵. مارلیس گلاسیوس، «عدالت جهانی چرا و برای چه کسی: نگاهی موردی به عملکرد دادگاه کیفری

بین‌المللی»، ترجمه محمدحسین باقی؛ http://afjab.ir/articles/social/law/_international_court_p1.pdf

۱۴۶. توان‌بخشی و بازپروری یکی از انواع جبران است که از سوی دیوان مورد شناسایی قرار گرفته است. توان‌بخشی و بازپروری شامل خدمات‌رسانی در زمینه‌های پزشکی، روان‌پزشکی، حقوقی و اجتماعی است. در این نوشتار، توان‌بخشی و بازپروری از منظر خدمات اجتماعی لحاظ شده است.

است نه کم هزینه و نه آسان، با این حال اقدامی ارزنده است.

دیوان می‌تواند با درخواست بزهدیدگان یا وکلای آنان و یا به میل خود، کارشناسان مناسبی را در زمینه پیشنهاد گزینه‌های گوناگون، در رابطه با شکل‌ها و محدوده‌های جبران از رهگذر «توان‌بخشی و بازپروری» تعیین نماید و همچنین نظرات قربانیان را در این خصوص جویا شود.^{۱۴۷} واحد بزهدیدگان و شاهدان نیز، از حضور متخصصان مشاوره اجتماعی بهره‌خواهد برد^{۱۴۸} تا بهترین خدمات اجتماعی را با توجه به وضعیت‌های موجود گزینش نموده و به کار گیرد.

بر پایه «اصول اساسی و راهبردهای مربوط به حق بر جبران خسارت قربانیان نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه» - اصول وان بوون^{۱۴۹} - «تشقی خاطر» و «تضمین عدم تکرار» در شمار انواع جبران خسارت جای دارند. با وجود این، اساسنامه دیوان در خصوص انواع جبران‌هایی که برای بزهدیدگان در نظر گرفته شده است سخنی از این دو به میان نیاورده است. اما بسیاری از خدمات حمایتی‌ای که زیر این دو عنوان قرار دارند را می‌توان نوعی «توان‌بخشی و بازپروری» دانست. مواردی از این نوع جبران‌ها را می‌توان در دسته‌های زیر جای داد:

- حمایت از کودکان آواره و بی‌سرپرست: دیوان می‌تواند توسط واحد بزهدیدگان و شاهدان، با تکیه بر یاری و همکاری سازمان‌های غیردولتی، برای یافتن والدین و اعضای خانواده کودکان بی‌سرپرست و یا آواره‌ای که قربانیان جنایت‌های بین‌المللی بوده‌اند، اقدام نماید. از آنجا که کودکان آواره در مقایسه با بزرگسالان آواره، به دلیل آسیب‌پذیری و عدم رشد و استقلال کافی، با خطرهای جسمی و روحی بیشتری مواجه می‌شوند، مشکلات آنان باید سریع‌تر از دیگران برطرف شود. مشکلاتی نظیر کمبود مواد غذایی، مسکن، بیماری‌ها، جدایی از خانواده، سربازی اجباری، سوءاستفاده‌های جنسی و ترک تحصیل، رشد جسمی و روحی کودکان را به مخاطره خواهد انداخت.^{۱۵۰} از این‌رو، دیوان می‌تواند با ساماندهی کودکان بازمانده، از بروز مشکلات جدی‌تر جلوگیری نماید.

- بزرگداشت، نکوداشت و یادبود بزهدیدگان: یادبود بزهدیدگان اهمیت اخلاقی مهمی دارد. قربانیان بازمانده نسل‌زدایی‌ها یا جنایت‌های علیه بشریت، با برگزاری مراسم بزرگداشت کشته‌شدگان و به رسمیت شناخته شدن بزهدیدگی‌شان، می‌توانند بر افکار آزار دهنده‌ای مانند

147. Rules of Procedure and Evidence, Rule 97(2).

148. *Ibid*, Rule 19(i).

149. Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Violations of International Human Rights and Humanitarian (Van Boven Principles)

۱۵۰. منوچهر توسلی نائینی، «جنگ و حقوق کودکان آواره و بی‌سرپرست»، ندای صادق، زمستان ۱۳۸۲، ش ۳۲.

پوچی جهان، عدم عدالت و تردیدهای اساسی وارد بر اعتقادات و باورهای انسان دوستانه تسلط یافته، و از جهانی که برای آنان تیره و تاریک شده است، تصویری بهتر بسازند. از سوی دیگر، برگزاری مراسم یادبود و نکوداشت بزه‌دیدگان، این واقعیت را - بار دیگر - تأیید می‌نماید که بسیاری از قربانیان در برابر ظلمی که بر آنان روا شده است، بی‌گناه هستند. در همین راستا، یونسف دوازدهم فوریه را «روز جهانی یادبود کودکان سرباز» نامیده است،^{۱۵۱} و گروه‌های مدافع حقوق بشر شانزدهم سپتامبر را «روز جهانی دارفور» اعلام کرده‌اند.^{۱۵۲} جست‌وجوی اجساد کشته‌شدگان یا ناپدیدشدگان، کمک به تعیین هویت آنان و دفن مجدد آن‌ها هماهنگ با سنت‌ها و رسوم رایج خانواده‌ها یا جوامع نیز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

- عذرخواهی: زمانی که بزه‌دیده به درد و رنج عاطفی برخاسته از جرم دچار می‌شود، ترمیم از رهگذر یکی از ابزار حواس پنج‌گانه بشری، یعنی «پوزش با زبان» جامه عمل بر خود می‌پوشد.^{۱۵۳} مواردی نظیر پوزش‌خواهی، اعتراف علنی به اشتباه و قبول مسئولیت از سوی مرتکب، تأثیر بسیار زیادی بر بهبودی بزه‌دیدگان خواهد داشت. عذرخواهی بزه‌کار از بزه‌دیده، بازگشت حسن اعتماد به نفس، بازگشت حسن اعتماد به دیگران و کاهش اضطراب را برای بزه‌دیده به ارمغان خواهد آورد.

موارد دیگری مانند تحقیق وقایع، افساء کامل و علنی حقایق، حمایت از افراد در مشاغل مربوط، هدایت و آموزش حقوق بشر، تشویق رعایت الگوهای رفتاری و قواعد اخلاقی و ... نیز، می‌توانند در قلمرو حمایت‌های اجتماعی از رهگذر توان‌بخشی و بازپروری قربانیان، جای گیرند.^{۱۵۴}

نتیجه

حمایت‌های پیرا حقوقی پیش‌بینی شده از سوی دیوان، به فراخور گستردگی و تنوع نیازهای بزه‌دیدگان، گونه‌های متفاوتی از حمایت‌ها را در بر می‌گیرند. این تدابیر در دو سطح کلی حمایت‌های عاطفی و حمایت‌های اجتماعی دسته‌بندی می‌شوند.

حمایت‌های عاطفی به منظور شناسایی، برآورد و درمان درد و رنج‌های عاطفی قربانیان، صورت می‌گیرند. حمایت عاطفی افتراقی دیوان از گروه‌های خاص بزه‌دیدگان نیز از اهمیت

151. <http://www.apcl.org.ir/press.htm>

152. <http://www.internationalof.blogfa.com/post-351.aspx>

۱۵۳. مهرداد رایجیان اصلی، «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در پرتو اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»، مجله پژوهش‌های حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ش ۷، ص ۵۲.

۱۵۴. علیرضا دیبیم، درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی: در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، تهران،

وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، صص ۸۳ و ۸۴.

ویژه‌ای برخوردار است. دیوان حمایت‌های عاطفی ویژه‌ای را برای کودکان، سالمندان، معلولان و قربانیان خشونت‌های جنسی و جنسیتی در نظر گرفته است. از آنجا که یادآوری تجربه تلخ بزه‌دیدگی برای قربانیانی که دور از خانه خود و در محیطی بیگانه، اقدام به ادای شهادت می‌نمایند، عذاب‌آور خواهد بود، دیوان با پیش‌بینی همیار بزه‌دیده برای بزه‌دیدگانی که به عنوان شاهد در دادگاه حضور می‌یابند، جلوه‌ای دیگر از حمایت عاطفی خود را نمایان ساخته است.

از سوی دیگر، تمایز مهم بزه‌دیدگی در نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه با دیگر جرایم، تأثیر بر گروه است. آسیب یک بزه‌دیدگی گروهی مانند نسل‌زدایی به بزه‌دیده مستقیم یا نامستقیم، محدود نمی‌شود بلکه گروه را آماج قرار می‌دهد. بزه‌دیده نسل‌زدایی احساس می‌کند عضویت او در گروه دلیل بزه‌دیدگی اوست، بنابراین احتمال دارد که از آن گروه و یا تعلق به آن، بیزاری جوید. در چنین شرایطی، تمرکز بر ترمیم اجتماعی بزه‌دیدگان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. دیوان از رهگذر پیش‌بینی توانبخشی و بازپروری به عنوان یکی از مصادیق جبران، در کنار تأکید بر بازپذیرسازی قربانیان از سوی شبکه‌های اجتماعی جلوه‌ای دیگر از حمایت‌های پیرا حقوقی خود را به تصویر کشیده است. اقداماتی مانند کمک رسانی سریع به مناطق درگیر بحران، تقویت و ساماندهی نهادها و شبکه‌های مدنی موجود، همکاری واحد بزه‌دیدگان و شاهدان با سازمان‌های غیردولتی و ... در بازگرداندن آرامش به زندگی قربانیان مؤثر بوده و به بازگشت آن‌ها به وضعیت پیش از بزه‌دیدگی کمک خواهد کرد. تشکیل گروه‌های خودیاری برای کمک‌رسانی به بزه‌دیدگان، توسط قربانیانی که خود نیز پیش‌تر طعم تلخ بزه‌دیدگی را چشیده‌اند، ضروری و مفید است. دیوان می‌کوشد تا بزه‌دیدگان - به ویژه قربانیان جرایم جنسی - جایگاه خویش را در جامعه خود بازیابند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، طیف وسیع و متنوع نیازهای قربانیان جنایت‌های بین‌المللی، تا حد امکان و در حد توان، از سوی دیوان بین‌المللی کیفری مورد شناسایی قرار گرفته است. دیوان، در برگزینش بهترین شیوه‌های حمایت از بزه‌دیدگان و عملیاتی و اجرایی نمودن این راهکارها می‌کوشد. دیوان بین‌المللی کیفری، در پی ایجاد جایگاهی مناسب برای بزه‌دیدگان و حمایت شایسته از آنان در عدالت کیفری بین‌المللی است. از این رو، می‌توان پذیرفت که بزه‌دیده شناسی حمایتی به عنوان رویکردی مستقل، از سوی دیوان مد نظر قرار گرفته است.

فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی، علی حسین نجفی ابرندآبادی، عبدالرضا ایزدپناه، «حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در نظام حقوقی ایران (میزگرد)»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۶، ۱۳۸۳.
- بروما، یوبو، «تردیده‌ها در مورد صعود نقش بزه‌دیده در حقوق کیفری»، (زیر نظر هنریک کاپتین و مارک مالچ نیکل)، جرم بزه‌دیدگان و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران،

خلیلیان، ۱۳۸۳.

پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
تاورنیه، پُل، «دادگاه جزایی بین‌المللی: تحولات اخیر (سخنرانی)»، ترجمه ابراهیم بیگزاده، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۷ - ۱۶، ۱۳۷۵.

توجهی، عبدالعلی، علی حسین نجفی ابرندآبادی، «بزه‌دیده‌شناسی و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده»، مدرس علوم انسانی، ش ۱۳، ۱۳۷۸.

توسلی نائینی، منوچهر، «جنگ و حقوق کودکان آواره و بی‌سرپرست»، ندای صادق، ش ۳۲، ۱۳۸۲.
دیهیم، علیرضا، درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی: در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.

رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده در فرآیند کیفری، تهران، خط سوم، ۱۳۸۱.

_____، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، تهران، دادگستر، ۱۳۸۴.

_____، «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در پرتو اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۷، ۱۳۸۴.

زندى، فاطمه، «درآمدی به جنبه‌های گوناگون سالمند آزاری»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴.

سازمان جهانی بهداشت، خشونت علیه زنان، ترجمه شهرام رفیعی فر و سعید پارسی‌نیا، تهران، نگاه بینه، ۱۳۸۵.

سماواتی پیروز، امیر، عدالت ترمیمی: تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، تهران، نگاه بینه، ۱۳۸۵.

_____، «ناتوانان بزه‌دیده، از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۰.

عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، تهران، دانشور، ۱۳۸۲.

عظیم زاده، شادی، «پویایی جلوه‌های سیاست جنایی در حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴.

فتاح، عزت، «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده: ضرورت یک تغییر بنیادی در سیاست جنایی کنونی»، ترجمه سوسن خطاطان و علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۳، ۱۳۷۱.

_____، «همپوشانی اعمال عدالت با تشفی خاطر بزه‌دیده، تقابل دو فلسفه عدالت: مجازات و جبران خسارت»، (زیر نظر هنریک کاپتین و مارک مالچ نیکل)، جرم بزه‌دیدگان و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران، خلیلیان، ۱۳۸۳.

فرکلتن، ایان، «جبران خسارت از بزه‌دیدگان جرم»، (زیر نظر هنریک کاپتین، مارک مالچ نیکل)، جرم بزه‌دیدگان و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران، خلیلیان، ۱۳۸۳.
فلسفی، هدایت الله، «تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش

۱۶-۱۷، ۱۳۷۵.

فیلیزولا، ژینا و ژرار لپز، بزهدیده و بزهدیده‌شناسی، ترجمه روح الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران، مجد، ۱۳۷۹.

کار، مهرانگیز، خشونت علیه زنان، تهران، روشنفکران و مطالعات زنان، ۱۳۸۰.

کوشن، موریس، اصول جرم‌شناسی، ترجمه میر روح الله صدیقی بطحایی، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵.

کی نیا، مهدی، روان‌شناسی جنایی، تهران، رشد، ۱۳۷۴.

گریفیتس، الد، گوینت رابرتس، جان ویلیمز، «سالمند آزاری و قانون؛ بررسی جنبه‌های حقوقی سالمند

آزاری در انگلستان»، ترجمه مهدی صبوری پور، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴.

گسن، ریموند، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه مهدی کی نیا، تهران، مترجم، ۱۳۷۰.

_____ جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، تهران، مجد، ۱۳۷۴.

گلاسیوس، مارلیس، «عدالت جهانی چرا و برای چه کسی: نگاهی موردی به عملکرد دادگاه کیفری

بین‌المللی»، ترجمه محمد حسین باقی؛ <http://aftab.ir>.

گلدستون، ریچارد، «ارزیابی عملکرد دادگاه‌های سازمان ملل متحد برای یوگسلاوی سابق و رواندا

(سخنرانی)»، ضمیمه: رضا پاکدامن، «بررسی ضمانت اجرای تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی»، (زیر نظر

اسحاق آل حبیب)، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.

گودرزی، محمدرضا، سیاست جنایی قضایی، قم، سلسبیل، ۱۳۸۴.

ماهر، فرهاد، «بزهدیدگان گروه فراموش شده»، (زیر نظر احمد علی فروغی ابری و دیگران)، بزهدیدگان؛

مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزهدیدگان و راهکارهای پیشگیرانه، اصفهان، نقش مانا، ۱۳۸۲.

مایز، مایکل، «اهداف عدالت ترمیمی»، (زیر نظر مارتین رایت، تونی مارشال، مایکل مایز و دیگران)،

عدالت ترمیمی: ارتقاء بخشیدن رویکرد بزهدیده محوری، (مجموعه مقالات)، ترجمه امیرسماواتی پیروز،

تهران، خلیلیان، ۱۳۸۳.

محمد نسل، غلامرضا، مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، تهران، دادگستر، ۱۳۸۵.

میرمحمدصادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران، دادگستر، ۱۳۸۳.

_____ حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)، تهران، میزان، ۱۳۷۷.

نجفی ابرند آبادی، علی حسین، «مسئولیت کیفری بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی، ش ۱۵، ۱۳۷۴-

۱۳۷۳.

_____ تقریرات درس جرم‌شناسی (عدالت ترمیمی)، تدوین: رضا فانی، دوره کارشناسی ارشد

دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق، نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ (پلی کپی).

_____ تقریرات درس جرم‌شناسی (بزهدیده‌شناسی)، تهیه و تنظیم: فاطمه قتاد، دوره کارشناسی

دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم ۷۴-۱۳۷۳ (پلی کپی).

_____ حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

Fattah Ezzat A., *Criminology: Past, Present and Future: A Critical Overview*, United States, S.T MARTIN'S PRESS, 1997.

International Criminal Court ,ICC-CPI-20110830-PR715 (Press Release: 30.08.2011), "Nairobi: ICC legal representative consults with Kenyan victims on identity disclosure and

clarifies distinction between victims and witnesses", at: <http://www.icc-cpi.int/menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/news%20and%20highlights/pr715>.

International Criminal Court , ICC-CPI-20110921-PR724 (Press Release: 21.09.2011), "*Kisumu: Registry and the common legal representative for victims consult with Kenyan victims ahead of the Confirmation of Charges Hearing in the case The Prosecutor v. Francis Kirimi Muthaura, Uhuru Muigai Kenyatta and Mohammed Hussein Ali*", at: <http://www.icc-cpi.int/menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/news%20and%20highlights/pr724>.

International Criminal Court (RC/ST/V/INF.3), (2010), "*Registry and Trust Fund for Victims Fact Sheet*".

International Criminal Court (RC-11-Annex.V.a-ENG), (2010), "*The impact of the Rome Statute system on victims and affected communities*", Stocktaking of international criminal justice, Annex V(a).

Jones Stephen, *Understanding Violent Crime*, Buckingham, Open University Press, 2000.

Lanier Mark M. & Stuart Henry, *Essential Criminology*, United States, Westview, 2004.

Mahony Liam, "*Proactive Presence: Field Strategies For Civilian Protection*", Center for Humanitarian Dialogue.

Wemmers Jo-Anne, "*Reparation And The International Criminal Court: Meeting The Needs Of Victims*", Report of the workshop held January 28th 2006.

Wierda Marieke & Pablo de Greiff, "*Reparations And The International Criminal Court: A Prospective Role For The Trust Fund for Victims 1*", International Center for Transnational Justice.

<http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/legal+Texts+and+Tools>.

<http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Legal+Texts+and+Tools>.

<http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Situations+and+cases/Situations>.

<http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Situations+and+Cases/Cases>.

<http://www.icc-cpi.int/press/pressreleases/420.html>.

<http://www.icc-cpi.int/press/pressrelease/450.html>.

<http://www.un.org/events/renstories/06/story.asp?StoryID=100>.

<http://www.unic-ir.org/publication/farsi/jang.htm>.

<http://www.apcl.org.ir/press.htm>.

<http://www.internationalof.blogfa.com/post-351.aspx>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ICC Paralegal Protections from Crime Victims

Marziyeh Dirbaz

Crimes subject to the jurisdiction of International Criminal Court - genocide, crimes against humanity, war crimes & aggression - have very large numbers of victims. Crime victims are demanding a broad and diverse support of the Court to reduce the harms arising from crime. Paralegal supports mention to the different types of crime victims protections, outside the scope of legal protections and mechanisms are foreseen in the Criminal Procedure. These protections are explained in the light of international criminal court provisions and in two parts; emotional protection & social protection.

Keywords: Protective Victimology, International Criminal Court, Paralegal Protections, Emotional Protection, Social Protection



JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. XI, No. 2

2012-2

- Recognizing the Concept of 'Foundations' in Legal Studies
Abbas Mansoorabadi & Javad Riahi
- Extradition in the Practice of European Court of Human Rights and Human Rights Committee of UN
Saeed Bagheri
- Electrify of Judicial System in light Patterns of Good Governance
Samaneh Rahmatifar
- The Role of NGOs in Human Rights Protection in ECHR Practice
Armaghan Abiri
- Cancellation as Instance of Impeachment: Investigating Judgment of General Board of Court of Administrative Justice about Managing Director of Social Security Fund
Majid Banaei Oskoei & Vahid Agah
- Assessment of the Legal System Governing Construction Torts
Zeinab Taghidoost
- ICC Paralegal Protections from Crime Victims
Marziyeh Dirbaz
- A Legal Scrutiny through the First International Criminal Court regarding the Enlisting and Conscripting the Child Soldiers in National or International Armed Conflict
Zakiyeh Taghizadeh & Fatemeh Hadavandi

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study